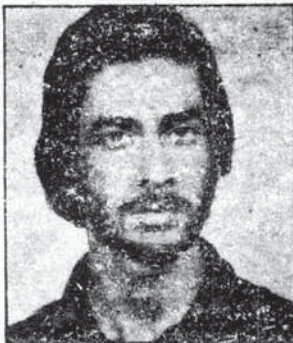


انفجار را نباید را ه سازی گیس را ن بیش از صدها کشته و مجروح از بین زحمتکشان ما برجای گذاشت. در جا مع طبقاتی، این کارگران و زحمتکشان هستند که از خون و عرقشان زندگی بهشت و ارباب سر ما پیدا را ن فراهم میشود و با زحمتکشان هستند که تا وان مسامحه کار رها و لایقیدیهی سرما پیدا را ن را با جان خود میپردازند. مسامحه کار رها نی که دقیقاً از گرسن سرما پیدا را ن نسبت به جان کارگران و بی ارزش دانستن آن ناشی میشود.

ما این ضایعه را به طبقه کارگران و به خانواده های آن زحمتکشان تسلیم میگوئیم و برای نابودی هرگونه ستمی از طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان تا پای جان مبارزه میکنیم. این پیمان ماست.

پیکارگران قهرمان رفقا: مسعود صالحی ران و طیب نجم الدینی



بدست رژیم جمهوری اسلامی ترور شدند زنده باد پیکار توده ها!

فستهای از اعلامیه سازمان دربار ترور جنا پیکارا نه رفقای پیکارگر
مسعود صالحی را و طیب نجم الدینی :
نقشه در صفحه ۹

رزمندگان و

مسئله روزنیو نیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی
(قسمت دوم)
صفحه ۱۷

در صفحات دیگر این شماره:

- ۱۲ صفحه پاسخ به نامه ها
- ۱۱ صفحه دست ارنجاع از مراکز آموزشی کوتاه
- ۵ صفحه شهدای خلق در قلب زحمتکشان زنده اند
- ۴ صفحه مبارزه و بیروزی کارگران گروه صنعتی کفش ملی
- ۱۶ صفحه مراسم بزرگداشت یاد رفقای شهید مسعود صالحی ران و طیب نجم الدینی

موضعگیری انقلابی در برابر هیئت حاکمه و سخنی مکرر با مجاهدین خلق

رفسنجانی، امپریالیستهای غرب و ژاپن را به اتحاد در برابر کمونیسم دعوت کرد

از قدیم گفته اند: "یکو با کیستم تا یکو با کیستی". کیهان ۲۸ مرداد از قول رفسنجانی، رئیس "مجلس شورای اسلامی" نقل میکند که وی در ملاقات با سفیرای کشورهای ایسالا، بلژیک، هلند و ژاپن آنها را به اتحاد در برابر کمونیسم فرا خوانده است. این که جمهوری اسلامی ایران نه تنها خواستار سرهم خوردن و منلاشی شدن نظام امپریالیستی جهانی نیست بلکه در صفحه ۴

با تعیین رجائی به نخست وزیری حزب جمهوری اسلامی یک کام دیگر در کسب قدرت بیشتر به جلوسها دودر مقابل "لیبرالها" و منجمله بنی مدریک گام دیگر در برابر حریف قدر و پر قدرت خویش به عقب نشینی و ادا شدند. اکنون بنی مدریک تمام هایبوی و تا کتیکها پیش نه آستانه مرحله ایفای نقش میرسد که آیت با سعادت بهر حزب جمهوری اسلامی دروا را مشهور عنوان نموده است. یعنی نقش اجرا کننده اهداف و ادالها و افتتاح مکاتباها! بموارات این قدرت گیری تر و تر حزب جمهوری اسلامی خط سرکوب که خط حزب است در برابر خطر سرکوب و رفرم (ویا "جماعتی و نان شیرینی") "لیبرالها" نقشه در صفحه ۸

تعطیل کردن

دانشگاهها، خدمت به امپریالیسم است

دانشگاه سگرا را دی، علیرغم خواست ارنجاع پیوسته در دل خود دانشجو را انقلابی و مترقی را می پروراند. دانشگاه همواره از اهل ترین و مهمترین کانون های مبارزه با امپریالیسم، ارنجاع و دیکتاتوری بوده است. مردم مین ماطی سالها حاکمیت رژیم دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم شاه، شاهد مبارزات خونین و انقلابی دانشجویان با رژیم شاه بوده اند. این مبارزات که حول دفاع از منافع توده های زحمتکش انجام میگرفت، توانست در روند ویرانه خود پیوند محکمی بین دانشجو و توده های زحمتکش برقرار کند. به همین خاطر هم برای دانشجویان و هم برای کارگران و زحمتکشان ما، دانشگاه پیوسته سگرا را دی و آزادی و مرکز آکا هی نقشه در صفحه ۲

با چشم باز در آغوش خونین کردستان:

(خاطرات یک سرباز)

صفحه ۵

امپریالیسم در

گرداب بحران اقتصادی

لهستان:

رشد مبارزه طبقاتی و

رسوایی روزنیو نیسم!

صفحه ۷

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

دونکنه کوتاه

۱- رسانه‌های گروهی دولتی یکپارچه است که سیاست ضد فلسطینی رژیم را بر صحنه می‌نمایند. توجه کرده‌اید که دولت غاصب و تجار و گروهبانان فلسطینی را از "روز قدس" به بعد "دولت اشغالگر قدس" مینامند.

آقایان! خلق فلسطین برای سرزمین‌های قدس یکی از شهرهای آن است جنگیده و می‌جنگد. اگر برای آزادی فلسطین کاری نمی‌کنید (و نخواهید کرد) لااقل در کارهای خرابکاری نکنید!

زنبور دشت بی مروت را گوی

۲- باری چو عمل نمیدی نیش‌زن!
فکر میکنی چرا قطب زاده، این پتو زها چپ و راست ناصه‌های "علاظ و دندانه" به شوری و عراقی می‌فرستد و برای آنها خط و نشان می‌کشد؟! محکوم بودن سیاست شوری و عراقی از نظر توده‌های زحمتکشان ایران و نیروهای انقلابی و کمونیست آن جای خود را در دلی مومعگیری قطب زاده، اما برای "خوبه" کردن پیش حزب جمهوری اسلامی است که با اصطلاح زمام‌کارها را در دست گرفته است، بلکه و همچنان در دست وزارت بی‌ثباتی بماند. موضع ضد شوری قطب زاده هرگز به طریقی استقلال طلبانه‌ای در آن نیست بلکه از سیاست دلجوئی از آمریکا با پیداست!

بقیه از صفحه ۷

لشتمان ...
دست طبقه کارگران حتی در خدمت او، بلکه دقیقاً در دست بورژوازی و بر علیه طبقه کارگران است. این بورژوازی حاکم بر لشتان است که بنا به طبقه کارگران و بنا به سوسیالیسم کمر به سرکوب طبقه کارگران بوی سوسا لیمبسته است. این رویزونیست‌های حاکم بر کشورهای بلوک شرق می‌باشند که با نقاب سوسیالیستی، دیکتاتورهای بورژوازی را اعمال می‌کنند. این بورژوازی حاکم بر لشتان است که اکنون بخاطر سرکوب جنبش کارگری دست به لشکرکشی بر علیه اعتبار بین زده است.

رویدادهای اخیر لشتان علاوه بر اینکه به نگر مفاد و امت طبقه کارگران در برابر سرمایه و دشمنی آنست - تا پذیرش با بورژوازی است. در عین حال هشدار است برای آن دسته از نیروهای مادی جنبش کمونیستی ایران که مرز بندی روشنی با رویزونیسم سوسیالیسم امپریالیسم پیدا نکرده‌اند. ما رکیسم لنینیسم از یک طرف و رویزونیسم از طرف دیگر در نوسانند. ما را رکیسم - لنینیسم و رویزونیسم! را هومی وجود ندارد. ما باید با رکیسم لنینیسم بود و بر علیه بورژوازی و با رویزونیسم و بر علیه طبقه کارگران را هومی وجود ندارد!

با زنگش آن به مبارزه همه جا به ریزند و در جهت خنثی کردن توطئه‌های ضد انقلابی رژیم‌ها کم‌کم طمانه مبارزه کنند.

به پیش در جهت فتح دوباره دانشگاه،
این سنگر آزادی!

انقلابی و کمونیست مسئول است برای مدت محدود و با محدودی از کار را ندارد. رژیم‌ها و دستگاه‌ها به تعطیلی می‌کشند و با برپا به استحکام سیستم آموزشی ضد انقلابی خود فرهنگ ارتجاعی و یوسده را بر دانشگاه‌ها کام کرداند. بورژوازی با به مفتضیات و ممانع طبقه‌ای خود، در پی آن است تا آنجا که عناصری را در دانشگاه بروراند که آنها هم از نظر ایدئولوژی و پیش منطبق رژیم باشند و هم بتوانند گردش سیستم ارتجاعی مورد نیاز رژیم به داری وابسته را به بعد بگیرند. تحقق این برنا می‌میتواند انجام بگیرد، مگر با تصفیه و اخراج دانشجویان، اساتدان و از بین بردن دیگر نهادهای انقلابی در دانشگاه از یکسو، و ضدیت با افکار علمی و انقلابی از سوی دیگر.

اما آیا رژیم‌ها هدو است برای اهداف ارتجاعی خود را به عمل می‌نویسند؟ بنظر ما خیر. ارتجاع درهای دانشگاه را می‌بندد تا از انتشار روشنفکری و انقلابی و کمونیستی جلوگیری نماید. اما او آنقدر کور است که درک نمی‌کند دانشجویان به طریقی که شده خود را به توده‌ها نزدیک می‌کنند. دانشگاه‌ها گریسته‌اند دانشجویان انقلابی به کارخانه‌ها، روستاها و محلات توده‌ای می‌روند. وقتی دانشگاه‌ها می‌رود و با راه‌سگری از آگاهی و آزادی تبدیل می‌شوند. کاهای است رژیم درهای دانشگاه‌ها را باز کند، خواهیم دید که علمبرغم تمام تشنه‌های ارتجاعی حکومت و بورژوازی سیال می‌آید و به طریقی در دانشگاه جاری می‌شود. با همه سرمایه داری وابسته ایران سرشار از تشنه‌ها و تشنه‌های رند با بنده طبقه‌ای است. از آنجا که مبارزه طبقه‌ای در دل جامعه جاری دارد این مبارزه در میان دانشجویان به نفع خاص ترین قشر روستا و شهر است. این مبارزه با ریفایز و مبارزه با ریفایز در دانشگاه‌ها خفه کند اما او هم با نظریه نمی‌تواند بدلی مبارزات توده‌ها را در اجتماع بگیرد، بنا بر این از سرکوب مبارزات دانشگاه نیز می‌باشد. دانشگاه‌ها همواره یکی از پایه‌های جنبش انقلابی خلقها در ایران و در سرانجه‌ها بوده‌اند. - انقلابی خلقها در ایران و در سرانجه‌ها بوده‌اند. - از کشتار و سرکوب دانشجویان انقلابی در اوایل اردیبهشت و تعطیل دانشگاه و تصفیه عناصر انقلابی از آن گرفته تا تدوین برنا به برای تأمین حاکمیت فرهنگ و پیش ارتجاعی و عقب مانده خود در مراکز آموزشی رژیم و خود هدو است دانشگاه‌ها تحت سطره خود در آورد و گریزی نخواهد داشت جز توسل به سرکوب و وحشیانه مداوم و حاکم گردانیدن اختناق پلیسی در دانشگاه‌ها در جهت سرکوب جنبش دانشجویی. در این حالت نیز با بدگفت، همانگونه که رژیم‌ها نتوانست با گسیل داشتن ارتش و ساواک و شهرهای، جنبش انقلابی دانشجویان را از هم جدا کند، رژیم جمهوری اسلامی نیز نخواهد توانست با توسل به حربه زور و دسیسه‌های متعدد تحت عناوین از قبیل "انقلاب فرهنگی" جنبش دانش - جوئی را به شکست بکشاند. پس دانشگاه‌ها همواره سنگر آزادی و آزادی، آگاهی و آگاهی و آگاهی بخشی مانده‌اند و با خوامانند. و اکنون که رژیم جمهوری اسلامی، تصمیم به تعطیل این سنگر، و خاموش کردن این دانش مبارزات انقلابی آن گرفته است و طبقه دانشجویان انقلابی سوز و گریه می‌کنند و توده‌های آگاه است که متحدان برای

بقیه از صفحه ۱

تعطیل ...

و آگاهی بخشی بوده‌اند. بدستی می‌توان گفت که چه قبل از قیام و چه بعد از آن دانشگاه‌ها همواره یکی از مراکز مهم فعالیتها و آگاهی‌ها و نیروهای انقلابی و کمونیست در جهت دفاع از منافع زحمتکشان میهن ما و افشاکاری بر علیه نیروهای ارتجاعی و ضد خلقی بوده است و تا ما این فعالیتها نیز خود در خدمت تجدید و تحکیم پیوند بین نیروهای انقلابی و سوز و گریه نیستیم با زحمتکشان قرار داشته است. اکنون سیستم رژیم جمهوری اسلامی جراد دانشگاه‌ها را به تعطیلی می‌کشد؟

رژیم جمهوری اسلامی به دنبال با صلاح انقلاب فرهنگی اش که به نهادت دهها تن و زخمی و زندانی شدن صدها تن از دانشجویان انقلابی بدست مزدورانش انجام می‌دهد، ارتجاعی گسترده به دانشگاه‌ها و هدف راندن آن می‌کند:

۱- حمله به دفا تر نیروهای انقلابی و مترقی، جلوگیری از فعالیتها و آگاهی‌ها و افشاکاری آنها - و تصفیه و از هم گسیستن پیوند بین نیروهای انقلابی و توده‌های زحمتکش.

بورش خونین و وحشیانه با داران ارتجاع و او با شوق و اراده بندهان جمهوری اسلامی اردیبهشت اوّلین قسمت از سراسری ضد مردمی تا انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی بود. همزمان بودن این بورش با تدارک حمله مجدد رژیم به گردن دانش‌آموختگان می‌باشد که جمهوری اسلامی تمام حاکمیت‌های به خلقها و آزادیها و دمکراتیک را در دستور کار خود قرار داده است. چه سبب وجود این آزادیها بود که دانشگاه‌ها مرکز اخبار جنبش خلقها و سوز و گریه و توده‌های زحمتکش ایران و افشاکاری علیه رژیم از یکسو، و حمایت و پشتیبانی همه جانبه نیروهای انقلابی بخصوص کمونیست‌ها از مبارزات توده‌های زحمتکش و اشکاف و انتقال تجارب و دستاوردهای آن از سوی دیگر بود. این وضعیت نمی‌توانست برای رژیم قابل تحمل باشد. چرا که لازم بود رژیم برای سرکوب و کشتار مجدد خلق که در دیگر خلقها دانشگاه‌ها این سنگر آگاهی را مورد یورش قرار دهد و صدامی حق طلبانه و اخبار مبارزات عادلانه خلق کرد به گوش دیگر خلقها و توده‌های زحمتکش آگاه شود. رژیم برای اینکه دانشگاه‌ها را بطور کامل تحت تسلط و کنترل خود در آورد، دانشگاه‌ها را به خاک و خون کشید، دهها تن از دانشجویان انقلابی را در دانشگاه‌ها و خارج از آن، به شدت راند و صدها تن از آنها را در زندانهای آریا مهری، محبوس ساخت تا بخش اول "انقلاب فرهنگی" و در حقیقت ضد انقلاب فرهنگی اش را با موفقیت به پایان رساند.

۲- تعطیل کردن دانشگاه‌ها، در جهت تصفیه عناصر انقلابی و مترقی و تأمین حاکمیت فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده در آنجا.

بدینا ل یورش وحشیانه به دانشگاه‌ها، اکنون رژیم برای آنکه بتواند دانشگاه‌ها را به قلب پر تیش انقلاب را از دانشجویان آگاه و انقلابی شایسته اقدام به تعطیل آن نموده است. بدون شک تعطیل کردن این گان‌ها مبارزه با امپریالیسم متوسط رژیم نمیتواند دشمنی همیشه در تیش آن را که در وجود دانشجویان

رجائی، عامل حزب جمهوری اسلامی و برادر لیبرالهاست

جنبش کارگری



تخصن کارگران مبارز شهرداری مسجد سلیمان

چندی پیش شهرداری مسجد سلیمان اعلام کرد که: "کلیه کسانی که دارای برگ یا بان خدمت نیستند اخراج خواهند شد". علیرغم اینکه کارگران مبارز شهرداری را بطه با اطلاعیه مذکور چند روز دست به تخصن زده و از خود مقاومت نشان دادند، ۸۰ نفر از کارگران اخراج شدند. هنوز مدت کوتاهی از اخراج ۸۰ کارگر جوان و زحمتکش نگذشته بود که سه به شوم ارتجاع بر زندگی بقیه کارگران شهرداری نیز با به گسترده و سیکوروش شهرداری مزدور مسجد سلیمان طی بخشنامه مورخ ۵۹/۵/۶ اعلام کرد: "کلیه کارهای عمرانی اعم از ساختمانی و غیره تعطیل اعلام می گردد، چنانچه کارکنان فوق به کار خود ادامه دهند شهرداری هیچ گونه تعهدی درمورد پرداخت دستمزد آنان نخواهد داشت". کارگران شهرداری بی اعتنا به حکم صادر شده به سرکار خود رفتند و روز پنجشنبه ۵۹/۵/۱۶ با همان مقدار رمالی که گذشته کار کردند، اما در این روز به علت تمام شدن مصالح ناگزیر دست از کار کشیدند. در ضمن در این مدت تعدادی از کارگران با تهیه پلاکارد و حمل آن در شهر دست به آفاشگری زدند. روز شنبه ۵۹/۵/۱۸ حدود ۴۵۰ نفر از کارگران قسمتهای عمرانی و ساختمانی در زمین چمن شهرداری گردگویی گلیسری واقع شده بطور پهنه وقت متحصن شدند. (از ساعت ۱۲/۵ - ۸ یعنی در وقت اداری) کارگران در محل تحصن، پلاکاردهایی نصب کرده بودند که خواهشهای آنها را بیان می کرد در خلال تحصن کارگران مبارز با سخنرانی و توضیح خواهشهای سرق خود و دادن شعار توطئه های دولت ضد کارگری جمهوری اسلامی را افشا کرده و روحیه مقاومت جویانه خود را بلامی بردند.

برخی از شعارهای آنها عبارت بود از:

- ۱ - کارگر اخراجی بر سر کار سابق ابقا باید گردد.
- ۲ - ماده ۳۴ الف باید گردد.
- ۳ - کارگاه را این آست شعار بیکار.
- ۴ - با زوری هر کارگرستون انقلاب است.
- ۵ - اخراجی کارگران بزرگترین گناه است.

کارگران مبارز را روز چهارشنبه ۵۹/۵/۲۲ به تحصن نیمه وقت خود ادامه داده اند و آن پس احتمال زیاد به تحصن تمام وقت نخواهند رفت. در رابطه با اخراج این کارگران مبارز، هواداران سازمان در مسجد سلیمان اعلامیه ای منتشر کرده اند که در قسمتهای آن آمده است:

"یکسال و نیم از حکومت جمهوری اسلامی میگذرد و در طول این مدت رهبران جمهوری اسلامی که کاری جز سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان و خلقهای مبارز

ایران نکرده اند، هم اکنون خود را با خنثی کردن افزوسن توده های زحمتکش و اعتراضات حق طلبانه و فزاینده آنها رویرو می بینند. این خائنین بخلق بجای حل مشکلات و نایبانیهای جامعه (...، گرانی، بیکاری، بی مسکنی و فقر و سیاه روزی زحمتکشان) از آنجا شیکه نه می خواهند می توانند باین جرایمها مقابله کنند تا گریز هر روز دست به توطئه جدیدی برای مقابله با زحمتکشان بیاخته می زنند. ... آری سران جمهوری اسلامی برای حفظ و نگهداری این سیستم پوسیده (سیستم کثیف و سرمایه داری وابسته و نجات حکومت ارتجاعی خویش دست به هر کاری از قبیل اخراج، سرکوب و دستگیری کارگران مبارز می زنند. اینک در سراسر ایران کارگران بسیاری اخراج شده و با معرض اخراج فرار گرفته اند. نمونه اش ۱۸۰۰ نفر کارگر مبارز شرکت "سیریزون" مسجد سلیمان ۴۵۰ نفر کارگران "پارود" آغا جاری ۴۰۰ نفر کارگر شرکت "ری وکیلادیسیمان" سوسنر، اخراج کارگران مبارز صنایع فولاد آواز، اخراج کارگران مبارز ماشین سازی "تیریزو" ...

کارگران مبارز شهرداری

رژیم جمهوری اسلامی هم اکنون توطئه اخراج دسته جمعی شمارا با مراعات اعلام کرده است و با این اقدام ضد انسانی خویش میخواهد ۱۲۰۰ خاوند را بی خانمان کرده و بیوسی گرسنگی و فقر (بیشتر) بکشد. شما اگر چه در طی یکسال گذشته مبارزات ارزنده ای داشته و مانع پیاپی شدن طرحهای خائسانه رژیم ندیده، اما به دلیل پراکندگی و نداشتن یک تشکیلات آهنگساز و انقلابی ضربات متعددی نیز خورده اید، بهای برای تنه را به مبارزه با این تصمیم ضد کارگری دولت جمهوری اسلامی اتحادیه کارگران و ایجاد یک شورای واقعی کارگری است که بتواند مبارزات بحق شما را پیش ببرد و این توطئه شوم را درهم شکند. پس باید کوششها را بشدت فشرده تر کردن مغوف خود با تحصن، نظا هرات و ...

کارگران، زحمتکشان و نیروهای انقلابی

ما ضمن محکوم کردن توطئه ضد کارگری اخراج ۱۲۰۰ زحمتکش که بدستور دولت جمهوری اسلامی توسط مقامات شهرداری مسجد سلیمان پیاپی شده، اعلام میداریم که دوش بدوش کارگران از خواستها و مبارزات عادلانه آنها با طمأنینه حمایت و پشتیبانی کرده و از همه مردم مبارز و نیروهای انقلابی نیز میخواهیم چنین کنند.

پیروزی با اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی

وحشت رژیم از کارگران آگاه و مبارز بافت بلوچ

بدنبال برنامهای سراسری رژیم جمهوری اسلامی برای نابود کردن شوراهای واقعی کارگران در کارخانجات، دستگیری و تنقیه کارگران مبارز و آگاه در تاریخ سه شنبه ۵۹/۵/۱۵ فرماندار انتی چند از روسای ادارای و انتظامی ایرانشهر به کارخانه بافت بلوچ میروند تا به سفارش رژیم جمهوری اسلامی به تشکیل انجمن اسلامی در این کارخانه بپردازد. البته عناصر این انجمن قبلا توسط شیخ نوری، سپاهیان و جها دسازندگی انتخاب شده اند، این افراد معلوم الحال دارای سابقه جاسوسی، خیرچینی و پاسداری در سپاهیان و هندی و حتی در توطئه ترور "دکتر حسین بر" مشارکت داشته اند. کارگران در مقابل خواسته ضد انقلابی فرماندار مبنی بر انحلال شوراهای مقاومت می نمایند و به فرماندار میگویند چون نیستی از کارگران به مرخصی رفته اند، باید تصمیمی شای را همه کارگران خود در این مورد اتخاذ نمایند. فرماندار در ضمن سخنانش به زمان بیکار و در راه آزادی طبقه کارگر حمله میکند و خواستار معرفی کسانی که شریک بیکار و رونی بلوچ را بخت میکنند، میگردد. کارگران مبارز و آگاه بافت بلوچ به درخواستها و تبلیغات دروغین او توجهی نمیکند و مانع تحقق توطئه های شوم رژیم برای از بین بردن شورای واقعی کارگران میشوند.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از اینکه کارگران آگاه شوند، متحذو ندیده و مبارزه بر علیه نظام غارتگرانه سرمایه داری وابسته خود را می بیند و با این دست بزنند، وحشت و هراس دارد. رژیم میخواهد کارگران در زیر سیتم و استبداد روحشانه سرمایه داران دم فرو بندند و سختی بر زبان شناورند. رژیم میخواهد بجای معیارهای طبقاتی، کارگران را رودر روی هم قرار دهد.

رژیم میخواهد این فکرها در ذهن کارگران الفا نماید که گوشتی جا مع ما به سران این سرمایه داران روکار بلکه براسان کفر و اسلام پیدا شده، رژیم میخواهد کارگران را از مبارزه بر علیه امپریالیسم و سیستم سرمایه داری وابسته بدارد.

رژیمی که به سرکوب زحمتکشان، نابودی شوراهای واقعی کارگران، کشتار دانشگها، بمباران خلقها، میبرد از دستمزد و در نیمخواهد کوچکترین قدمی در راه منافع اساسی زحمتکشان و دستمزدگان مبین مبارز دارد. رژیم جمهوری اسلامی رسالت تاریخی خود را با زاری و ترمیم نظام سرمایه داری وابسته فریبیده از مبارزات توده ها قرار داده است، بهر قیمتی میخواهد جلوی جنبش را بدماید، انقلاب را خفه کند و سلطه سرمایه امپریالیستی را تحکیم نماید. کارگران آگاه و مبارز باید با هیت ضد خلقی رژیم برای توده کارگران با زبانی ساده بیان نمایند. باید از توطئه های ضد کارگری رژیم برای منحل ساختن تشکیلات

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

کارگران مبارز کنف کار، رمضانیه نماینده مجلس از گیلان را از کارخانه بیرون انداختند

جندی پیش زمانی نماینده مجلس از گیلان برای سمپاشی و تحریک کارگران به کارخانه کنف کار می‌رود وی در سخنرانی خود ضمن اینکه علیه شوراهای بدکوشی می‌پردازد، ساعت ۴ در دره هفته را با خطر "مبارزه با امپریالیسم" را درست دانسته و از کارگران می‌خواهد که بیشتر کار کنند، رمضانیه قبل از آنکه بعنوان نماینده انتخاب شود، در سخنرانیها پیش برای زخمی کردن وعده های زیادی میداد که چنین وعده ها را نمی‌کند... پس از سخنرانی نماینده گیلان در کارخانه، یکی از اعضای شورانچان او را در مقابل کارگران افشا می‌کند که کارگران وی را با خوارگی از کارخانه بیرون می‌اندازند آنان حتی می‌خواستند او را بزنند که اعضای شورانچان مانع می‌شوند.

بدنبال این جریان هیات به اصطلاح با کسری به کارخانه مدعو و پرونده چند نفر را بیرون می‌کشند آنها را اخراج نماید اما به علت حمایت گسترده کارگران اردوستان مبارزان، عقب نشینی می‌کند. در این رابطه یکی از اعضای مبارز شورانچان نام کریمیان برای بازگشت به نیروی خورشید برده می‌شود اما به لحاظ حمایت کارگران از او به زودی آزادی می‌گردد، بعد از این جریان مدیر عامل کارخانه بهی بخش نامه ای ۴۰ ساعت کار در هفته را لغو و شورانچان را محفل اعلام می‌کند. با اعتراض کارگران به این بخش نامه

و دخالت عده ای اوباش در کارخانه درگیری بوجود می‌آید و طی آن یکی از عناصر مزدور آسیب دیده و در بیمارستان بستری می‌شود. در بیمارستان همپا لگی - هایش از وی می‌خواهند که علیه کریمیان نامه بنویسد اما از شورانچان می‌ترسید، آنکا هایش این توطئه نامه بنده مذکور را دستگیری نماید. حسینی رئیس هیات با کسری درست ما ندرمان شاه که به هیات نامه می‌دهد "ذات ملوکانه" برای عناصر مزدور پیرونده سازی می‌شود، به آنها موعظه به شورای انقلاب برای کریمیان پیرونده سازی می‌کند. کارگران به عنوان اعتراض به دستگیری نماینده مبارزان ابتدا تویید را کم کرده و سپس دست به اعتصاب همگانی زده و خواستار آزادی بدون قید و شرط اومی - شوند.

در همین رابطه، حسینی کارگران را تهدید کرده که در صورت ادامه اعتصاب، آنها را اخراج کرده و کارگران "ملمان" را بجای آنان استخدام می‌کند. کارگران مبارز کنف کار هم اعلام کردند که هیچ کس اجازه ورود به کارخانه را نخواهند داد، مگر اینکه همه آنها را بکشند!

مبارزه کارگران کنف کار برای آزادی نماینده شان بطوریکه راجه داده می‌دارد، هر چه مستحکم تر با دعا دیوالدین کارگران

مبارزه و پیروزی کارگران گروه صنعتی کفش ملی

بدنبال مبارزات قبلی کارگران گروه صنعتی کفش ملی (این گروه صنعتی از نزدیک به ۲۲ شرکت تشکیل شده است) برای گرفتن حق تولید، حق سنگینی کار و... مدیریت دولتی بین ۵ تا ۱۵ تومان بعنوان حق سنگینی کار به مزایای این کارگران اضافه کرده است. کارگران مبارز شرکت های اساندار، هوفمن، گابور، یونا بندو... اعلام کرده اند که مبلغ اضافه شده با بد از اول فروردین ماه ۵۹ پرداخت شود، بر اثر فشار کارگران مدیریت دولتی به خواست آنان گردن نهاده و حق سنگینی کار را (با احتساب آن از فروردین ماه) در تاریخ ۵۹/۵/۱۵ به کارگران پرداخت می‌نماید خواست دیگر کارگران یکماه تعطیلات سالانه (بدون حساب نمودن روزهای تعطیل) بود. آنها استدلال می کردند که: "اگر کارخانه دولتی است باید ما هم مانند

واقعی و خلق سلاح ها حتی کارگران پرده بردارند و مگر با بدحاشی نشان سازند که هر چه ارتجاع بتواند در تفرعات خود موافقت شود و حمایت کارگران را محدود تر با زبانی نابودی و سرکوب کامل آنها جری تسر میشود و زنجیر بردگی و مزدوری را برپا بماند محکم تر می‌بندد.

(نقل به اختصار از نشر دیالوگ، شماره ۴۶ ارگان اتحاد زحمتکشان بلوچستان)



رفسنجانی...

نیست بلکه خواستار اتحاد آنها با یکدیگر است و خود را در کنار آنها می‌بیند، و برای مقابله با خطر مشترک دعوت به اتحاد می‌نماید و از آنها استمداد میکند ماهیت این رژیم را بشناسیم تا بفهمیم که ما هستیم که ما در معاللات و نوشته های متعده نشان داده ایم که ضد ما هستیم یا لیستی نیست بلکه ارتجاعی است، ما هستیم که منجر به کشتن به بازاری نظام سرمایه داری وابسته در ایران شده است.

سخن رفسنجانی بیخود تمام، ما هست شعارها و رشتیهای "مدا میرا لیستی" رژیم جمهوری اسلامی را انشا میکند. رژیم جمهوری اسلامی سدرستی خود را در صف کتورهای سرمایه داری می‌بیند، از کمونیسم که دشمنترین دشمنان سرمایه داری است وحشت می‌کند، بنیادگذاران سوسیالیسم علمی، مارکس و انگلس در اولین جمله از مانیفست نوشتند:

"تجهی در اروپا در گذشت و گذار است - شیخ کمونیسم همه نیروهای اروپای کهن برای تعقیب مقدس این شیخ محدث شده اند: بی‌پ و ترار، مترنیخ و گیزو، رادیکالهای فرا سوسیالیست آلمان". هم اکنون حقیقت فوق به سران ریحان تعمیم یافته است. شیخ کمونیسم سران جمهوری اسلامی به وحشت انداخته است و آتانی رفسنجانی دست اقتصاد بسوی امپریالیستهای آلمانی، ایتالیایی، و ژاپنی دراز میکند البته در نتیجه مبارزات طبقه کارگر در سران ریحان، کمونیسم هم دیگر گش نیست، حقیقت است و به همین لحاظ است که سرکوب کمونیستها و نیروهای انقلابی ای که بر مواضع ضد امپریالیستی پای می - فشرده اند چنین دردستور امپریالیستها و وابستگان آنها قرار گرفته است.

شاه شاه در آخرین روزه های پیش در آستانه مرگ فریاد می‌کشید که "کمونیستها را بکشید!" (پیکار ۴۰۰) و سرمداران امپریالیسم آمریکا با راه، علیرغم شکراب بین ایران و آمریکا، رضایت خاطر خود را از آزادی که از اسلام در برابر کمونیسم در منطقه ساخته می‌شود باز کرده اند. اینکه دستگاه های تبلیغاتی و سیاسی و پلیسی نظامی جمهوری اسلامی لبه تیز حمله خود را متوجه کمونیستها کرده اند و از هیچ فرصتی برای سرکوب آنها غفلت نمی‌کنند، دقیقاً از ما هست سرمایه داری و وفادار کارگری نظام جمهوری اسلامی ما به میگیرد.

کمونیستها دشمن شماره یک سرمایه داری در هر شکل آن هستند، کمونیستها برای رها کردن کارگران و دیگر زحمتکشان و کل انسانها مبارزه می‌کنند، کمو - نیست که سرمایه داری هستند و به همین دلیل است که سرمایه داران و امپریالیستها از هیچ کوششی برای سرکوب کمونیستها دریغ نمی‌ورزند.

اینکه آتانی رفسنجانی از امپریالیستهای اروپا - شی و ژاپنی ملتنامه می‌خواهد که در برابر خطر کمونیسم متحد شوند جای خود را در صف مقابل کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیستی و انقلابی تعمیم می‌کند. این را با بهره جویی از ترور و شتر برای شوده - هاشی که از سر تا آگای، قریب شعارهای ضد امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی را خورده اند توضیح داد.

★ ★ ★

با تمام قوا در مقابل توطئه اخراج کارگران متحدانه مقاومت کنیم!



خلق ها و مسئله ملی

با چشم باز در افق خونین کردستان

خاطرات يك سرباز:

از يك ستون شصت و نهمی كه برای آغاز جنگ دوم به كردستان اعزام شدند، تنها دویست نفر توانستند با تحمل صدمات بی شماری به دگان بازگردند. چهارصد نفر بقیه كشته، دستگیر یا زخمی شدند. یکی از دویست نفری كه به دگان بازگشت، سرباز جوانی است كه ما نند بسیار از سربازان میهن ما بدون آنكه خود بخواد به اجبار روانه جبهه جنگ با خلق دلاور كرد شده بود (۱) این سرباز جوان، هنگ ما ز - گشت، دفترچه خاطراتش را با خود به همراه آورده است. او در این دفترچه چند نگاره روزانه خود را در جبهه به تحریر درآورده است. سطور این دفترچه كوچك كه در آن گاه كلمات به معنايی تحریر شده است، به ما نند رشتنه رگهائی است كه زندگی در آن گرم و سرشار از سیلان دارد. هرگاه این رشتنه را در دست گیریم مرتفع میشویم و نمایی زندگی را تندر و برپیش احساس می كنیم. از لابلای سطور این دفترچه كه در آن حقایق روزمره جبهه در كردستان نگاشته شده است تصویرهای سرباز جوان سربزمی - آورده خود را زدل مردم به رخ استه و لای نظام سرما به داری وابسته و هیبت خاكه خد خلقی آنان را به مثابه مهره ای به جنگ با برادران خویش می كشاند و اجبار می - كند. تصویر خلق كرد سربزمی آورده كه همانه و ارمی جنگ قهرمانانه زندگی می - كند. و شجاعانه شهید می شود. آنگاه - نا هدم كه چگونه این مبارزه تا شیر خود را بر سرباز جوان كه خود در زندگی استقامتی می گذارد، نوشتن این دفتر خاطرات حتی میتوانست به قیمت تیرباران شدن این سرباز زتاما شود اما خودش می گوید: "این كمترین كاری است كه من نسبت به وظیفه ام در راه ما بودی ظلم و ستم انجام داده ام. خون من، در برابر خلقی كه آن چنان قهرمانانه در مقابل دشمنان خلق به باخته و با خون خودنها لای ملخ و خوشبختی بشر را تیار می كند، چه

ارزشی میتوان داد؟ آنگاه شد؟ "بدینگونه خطوط دفترچه خاطرات این رفیق سرباز از استایش این مبارزه غا دلانه سرشار می - گرد و بغیر از چنین جنگی را فریب نمی زند. این دفترچه خاطرات دیگر، تنها زندگی یک سرباز در جبهه نیست. چنانسی است با زو هوشیا ركه با آن میتوان واقعات جنگ كردستان را به روشنی دید. دهانی است كه با مدائی ربا با يك برمی آورد: "سرا نجام پیروزی از آن خلقهاست!" بدینسان از لابلای سطور دفترچه كوچك، آفتاب زندگی بخت مبارزه می - تا بدو انسان را گرم می كند، سبب رشد این موسیقی برپیش را در دست گیریم و آن را در هریك از رشتنهای آن، عشق، كینه، نفرت، نگاه دلننگی و مملال كوش كنیم:

دفترچه كوچك را باز میكنیم. در صفحه اول، تصویری میبینیم كه مانند شطرنج خانه خانه است و هریك از چهار خانه ها علامت فریدر خورده است. در كنار صفحه نوشته شده: هریك از این علامتها نما یا نكر ۱۵ روز است.

بر صفحه شطرنجی گذشت روزها كه جنگ گویا روزها تر رفیق سرباز زسكن می - گذشته است. گویا هر روز كه می گذشته، يك زندگی بر او سپری می شده است.

اونمی دانسته كه فردا هم زسكنده خواهد ماند یا نه. اما می خواسته است كه این دفترچه بماند. در صفحه دوم دفترچه لاله ای نقاشی شده و دزكنا رآن این خطوط به چشم میخورد: اگر من كشته شوم، ایسن دفترچه را به آدرس خانه ام در... برسانید آری، رفیق سرباز می خواسته تا آنجا كه میتواند حقایق جنگ خد خلق در كردستان، واقعات مبارزه دلاورانه خلق كرد در راه آزادی و استقلال ایران، و حقانیت مبارزه قهرمانانه این خلق به پا خاسته را بگوش مردم برساند. ایكنا بن ادعانا به حقانیت خلق كرد است كه پیش روی ما است:

★ ★ ★

دوشنبه ۱۸ فروردین ماه: اینجا كرمانشاه است.

هوا خوب است. آفتاب بهاری بگرمی، مبتاید. از خواب كه بیدار می شوم، آفتابی در آسمان بنگاه است. خبرهای جنگ دهن به دهن كشته و جها از وضع منطقه خبردار شده اند. روح سربازها به سخت دگرگون است. بعد از خوردن صبحانه در بنگاه پا دگان، با رفقاییم به شهر رفیم. شهر هم از آمدن گردان ما با خبر شده است. مردمان چنان با زما را می با شیدند، چندان از بچه ها را در راه دیدیم و تصمیم گرفتیم به دانشگاه برویم تا از وضع منطقه به تریا خبر شویم. وارد دانشگاه شدیم. دانشجویان چریا را رفیم و اطراف ما جمع شدند. برخوردشان با ما نالی بود. در باره وضع منطقه گفتند و این كه چگونه ارتش، به بهانه ما شور و سوا استفاده از جنگ صغراق، كردستان را می - كود. و سبب ران می كند.

چند نفر به آژنها گرفتیم و به شهر آمدیم. یکی از بچه ها لباس كرتی خرید به شوخی می گفت: "برای فرار است!"

★ ★ ★

سه شنبه ۱۹ فروردین:

ساعت ۷/۵ صبح با سروصدای بچه ها از خواب بیدار شدم. هر كس در حال جمع كردن كيسه خواب خود بود. آسمان بنگاه سرمای نامطوبی داشت. سبب آمدن مردم كه در حال اعزام به جبهه جنگ كردستان، هشتیم سرمای نامطوبی چندیرا برنندوبه استخوانها برسد.

در میدان بنگاه، بچه ها جمع شده بودند. فرماده گردان سخنرانی می كرد. همدیانی اعتنایی آنكارا نسناده بودند و فقط چشمشان در آنجا بود.

فرماده گردان حرف می زد: من هم چرتی از شما هستم! ... با بدحواسان به فرماندهی

(۲) پیش از این نامه ای از این سرباز با عنوان "من تلک نميكنم" در پيكار رشاره ۵۳ آمده است.

شهادای خلق در قلب زحمتكشان زنده اند

شهادای انقلاب دموكراتيك - ضد امپريالستي میهن ما كه چه در سالیهای سپاه گذشته و یا پس از قیام بدست اربابعیون بقدرت رسیده، برخاك افتاده و سسدا از خاطره زحمتكشان ما فرا موش شدنی نیستند هفته اول شهریور سال مضاد است با اولین سالگرد شهادت رفقا سید و علی میرنكاری، كاك حسین میرنكاری، "لاله" عضو كمیله، كاك بیدی فولادی، مظفر رحیمی، ناسرلیمی، عطااله زندی، عیسی پیر - ولی، علی اصغر مصیری، جمیل یخچا نسی، وفادشان شهید علی احسن با همدو شوربازاناید و طهمورت اكبری و كاك فواد سلطان (عضو كمیله) و سنجمن سالگرد شهادت رفیق شهید رفعت افراز و ششسین سالگرد شهادت مجاهد شهید محمود سامخی و دوازدهمین سال شهادت معلم انقلابی و نویسنده زحمتكشان صد بهرگی و بسا روساری دیگر، چون شهادای خلق هرگز نمی خنك، بلكه میجوشد.

دستورات او باشد...

بچه ها روحیه شان با نندن خیر - های از مبارزات چنانچه مردم كردستان دگرگون بود. كوشی در وجودیشان خود به حقانیت هدف خلق كرد كه مبارزه می - كند. و سبب دگی هدفی كه خود بسوی آن می رفتند، بی برده بودند. وقتی كه در سخنرانی گفتند كه ممكن است (۱) به مرز عراق برویم و با عراق جنگیم روحیه بچه ها كی بالا رفت. یکی از سربازها می گفت: در مرز مستقیما با دشمنان خود می جنگیم، اما در كردستان با برادران - های خودمان می جنگیم. اگر به مرز برویم و جدا نمائیم راحت تر است. هم در این دنیا و هم در آن دنیا! (۱) داده دارد



حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

www.peykar.org

لهستان: رشد مبارزه طبقاتی و رسوائی روبروئیسیم!

اعتمادات سرسری کارگران لهستان که با مطالبات اقتصادی آغاز شد، به یک رنگ سیاسی بخود گرفته است. بیش از ۱۲۰ هزار کارگر لهستانی از ۲۶۰ کارخانه و کارگاهها طرفداری از ابتدای تریس حقوق خود به مبارزه برخاسته و در روی روبروئیستهای حاکم، که به نام طبقه کارگران زخون طبقه کارگران تغذیه می کنند، ایستاده اند. اینک ۱۲۰ هزار کارگر لهستانی که از پیشانیهای دیگر اقشار مردم (دانشجویان، معلمان دانش آموزان، کارمندان و...) نیز برخوردارند، خواهان آزادی بیان، تشکیل اتحادیه های کارگری آزاد، آزادی زندانیان سیاسی و... هستند و مذاکرات آنان با دولت و حزب ناکون به نتیجه رسیده است. شاید این امر برای آن دسته از چریکهای که تحت تاثیر تبلیغات مسموم کننده سوسیال امپریالیسم شوروی و نوگرایان سوسیالیست های روبروئیست نیستان، اینگونه کشورها را با ملاحظ سوسیالیستی میدانند، شگفت آور باشد! آخر مگر میشود در یک کشور سوسیالیستی کارگران نتوانند اتحادیه های خود را بوجود آورند؟ مگر میشود در یک کشور سوسیالیستی، خود کارگران در زندانهای "دیکتاتور پرولتاریا" باشند؟ چگونه است که کارگران در لهستان سوسیالیست خواهند بود؟ آزادی زندانیان سیاسی هستند؟ اولاً چگونه است که در یک کشور سوسیالیستی کارگران در یک طرف و حزب و دولت در طرف دیگر میزند؟ اگر نه هستند؟ چگونه است که در یک کشور سوسیالیستی روزنامه "کارگر" به طور مخفیانه چاپ و منتشر میشود؟ مگر دولت و دولت کارگری نیست؟ مگر سوسیالیسم حاکمیت طبقه کارگر نیست؟ آری اگر بدینسان و فقط اگر بدینسان پیش رویم برآستی هم که شگفت آور است! پس چگونه میتوان اس پرسشها را توضیح داد؟ حقیقت چیست؟ پس از غلبه روی سوسیالیسم بر حزب و دولت کشورهای بلوک شرق، که تا اواخر دهه ۵۰ برآمد سوسیالیسم و طبقه کارگر جهانی بودند، این کشورها عمل از سر نو و بورژوازی جدید را گرفتند. این راه فیهراشی در تمامی کشورهای بلوک شرق، لکن با سرعتی متفاوت پیمودند. رهبران بلوک شرق، به تدریج از این راه جدا شدند. از رکیسم، لنینیسم، بیش از این راه بودند. بطوری که یوگسلاوی امروز، حتی از نظر شکل، تشابهات جدایی با کشورهای سرمایه داری غرب ندارد. بحران اقتصادی که بطور ادواری در اینگونه کشورها رخ می نماید، به تدریج به بورژوازی نظام حاکم بر آنها است. بحرانهای سال ۱۹۷۰ و ۱۹۷۶ در لهستان که به اولی به تغییر و تحولی به عقب نشینی دولت بورژوازی انجامید اکنون پس از چهار سال در اسفند گذشته، سر مجدداً برآ شده است.

واقعیت این است که حزب و دولت لهستان، به قدری عقبه در صفحه ۲

وابسته می باشد. در سال گذشته ۱۶ میلیون بیکار وجود داشت که تا پایان سال ۷۹ به ۲۰ میلیون رسیده و پیش بینی میشود که در سال ۱۹۸۱ این رقم به ۲۴ میلیون بیکار افزایش یابد.

یکی از جنبه های اصلی بحران اقتصادی کنونی نورماست. نورم یکی از پراسترس ترین نمودهای سرمایه داری است. افزایش شدید نورم عواقب بسیار وخیمی برای طبقه کارگر و زحمتکشان کشورهای سرمایه داری و تحت سلطه مستعمرات دارد. از جمله این عواقب افزایش بیکاری و فقر و کاهش قدرت خرید اقشار وسیع زحمتکشان می باشد.

همزمان با رشد نورم، قیمت های اجناس در کشورهای و همچنین بازاریابی المانی بالا می رود. افزایش قیمت اجناس دیگر به سرمایه ها بلکه مشکل روزمره و سرعت سیر صعودی خود را می بیند. بالا رفتن قیمت های عواقب جدی ای مستقیماً بر روی طبقه کارگر و سوده وسیع زحمتکشان دارد. از جمله اینکه قدرت خرید زحمتکشان را به مقیاس وسیعی پایین آورده و موجبات فقر و افروزی طبقات زحمتکشان را فراهم می آورد. در حال حاضر در اقتصاد کشورهای امپریالیست غرب به میانگین نورم به میزان ۱۲٪ میرسد و تنها در آمریکا نورم نسبت به سال قبل ۲۰٪ افزایش یافته است.

● فقط در ماه سال جاری در بخش صنایع اتومبیل سازی آمریکا ۳۵۰۰۰ نفر بیکار شدند بطور کلی در نتیجه کاهش آهنگ رشد تولید نرخ بیکاری در آمریکا به ۸٪ رسیده تا آخر سال جاری این نرخ به ۸/۵٪ خواهد رسید. حال آنکه در چند ماه قبل این رقم به میزان ۷/۸٪ بوده است.

امپریالیسم برای شرکت نمودن بحران بدو ش کارگران و خلقی تحت ستم به تشدید استثمار طبقه کارگر و بیست غارت و چپاول در کشورهای وابسته دست زده و برای تحقق این هدف، سیاست جنگ طلبانه ای را در پیش میگیرد. بر واضح است که این سیاست امپریالیسم را بر آن میدارد که اقتصاد کشور را هر چه پیشتر (مثلاً میلیاردها دلار) بسازد، در این رابطه بودجه نظامی سالیانه امپریالیسم خونخوار آمریکا در سال آینده به ۱۳۸/۲ میلیارد دلار میرسد و در سال ۱۹۸۵ این رقم به ۲۵۴/۲ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. بنابراین در باره بودجه نظامی گویا بدیگفت که در سال آینده نسبت به سال جاری ۲۰٪ افزایش خواهد داشت. رشد بودجه نظامی به تنهایی به هدف نامی بود هر چه پیشتر و در یک جنگ می باشد، بلکه همچنین سرکوب جنبش ها و انقلاب را تسهیل می نماید.

کشورهای سرمایه داری برای فرار از زیر بار سنگین بحران آسرایه کشورهای تحت سلطه و مستعمرات منتقل میکنند و مستقیماً بدو ش زحمتکشان این کشورها فشار وارد می آورند. ارقام زیر یکی از نمونه های غارتگری امپریالیستی و چپاول منابع طبیعی کشورهای تحت سلطه را نشان می دهد:

۱۴۲ شرکت نفتی و انرژی در سال ۱۹۷۷، تقریباً ۵۱۷ میلیارد دلار سود داشته اند که از این میان ۱۰ بقیه در صفحه ۱۳



امپریالیسم در گرداب بحران اقتصادی

● رشد اقتصاد جهانی در سال جاری به ۱٪ قتل یافته است!

هم اکنون دنیا سرمایه داری با بحران عمیق و وخیم اقتصادی دست به گریبان است این بحران با خود تضادهای متعددی را حمل می کند.

دولتهای بورژوازی برای "حل" این بحران نقشه می کشند، برنامهمیریزند، وعده های دهنده طبقه کارگر کشور خود و خلقهای تحت ستم را به فداکاری و از خود گذشتگی و صبر بیشتر دعوت میکنند. واقعیت اینست که تنها راه حل این بحران انقلاب اجتماعی است و نقشه های "برنامه ها" دزدی را دوا نخواهد کرد بلکه هر چه پیشتر دانه بحران را گسترش می دهد.

از مشخصات این بحران توسعه و گسترش سریع آن از یک رشته اقتصادی به رشته دیگر، از یک کشور سرمایه داری به کشورهای دیگر و از یک جهان امپریالیستی به کشورهای تحت سلطه و مستعمرات می باشد و تمام اینها به علت سیستم پیچیده وابستگی و روابط بین کشورها در نظام جهانی سرمایه داریست. که حتی آهنگ رشد تولیدات مشخصات دیگر این بحران است که با عدم بهره برداری کامل از ظرفیت تولیدی همراه است. بعنوان نمونه در سال ۱۹۷۹ رشد اقتصاد جهانی ۳/۱٪ بود که این رقم در سال جاری به ۱٪ تنزل یافته است. در مورد امپریالیسم غارتگری آمریکا نرخ رشد تولید نسبت به سال قبل ۲/۲٪ کاهش یافته و در همین ارتباط مثلاً فروش اتومبیل در این کشور ۴۰٪ کاهش را نشان می دهد که این رکود اقتصادی به سبب شده فقط در ماه سال جاری در بخش صنایع اتومبیل سازی آمریکا ۲۵۰۰۰ نفر بیکار شوند. بطور کلی در نتیجه کاهش آهنگ رشد تولید نرخ بیکاری در آمریکا به ۸٪ رسیده و تا آخر سال جاری این نرخ به ۸/۵٪ خواهد رسید. حال آنکه در چند ماه قبل این رقم به میزان ۷/۸٪ رسیده است. در بسیاری از کشورهای سرمایه داری تعداد بیکاران افزایش فوق العاده ای یافته و در حال رسیدن به سطح بسیار عظیمی می باشد. در ۲۴ کشور متشکل در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی که شامل کشورهای امپریالیستی نظیر آمریکا و کشورهای اروپایی و کشورهای سرمایه داری

تازمانیکه ۳۵٪ بردستمزدها فروخته نشده
"سود ویژه" گذشته پرداخت باید گردد!

بقیه از صفحه ۱

پیکارگران...

سحرگاه ۱۳ مرداد ۵۹ حدود ساعت ۵ صبح، محله سرخاب تبریز، شاهدیکی از جنایات هولناک عوامل مسلح رژیم جمهوری اسلامی بود. دورفوق پیکارگر، مسعود صالحی را در دانشجوی سال ۴ پزشکی تبریز و طبیب نجم الدینی، دانشجوی سال ۳ پزشکی تبریز، از اعضای دانشجویان و دانش آموزان هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبیفه کارگر (تبریز) هنگامیکه اعلامیه های سازمان را بدست توده های زحمتکش این محله می رساندند، توسط گشتی های "کمیتها زرسی" ویا "سپاه پاسداران" تبریز دستگیر میشوند. دوساعت بعد یعنی ساعت ۷ صبح چو پانی چند دوجوان را در نزدیکی جاده اهر- تبریز (کیلومتر ۲- تبریز) می یابند. در حالیکه ردی که ما شین استیشن یا جیب یعنی از نسوع همان ما شینهای مورد استفاده کمیتها زرسی و سپاه پاسداران در کنار جسد و شهید دیده میشود! چو پانی به اهالی ده نزدیک خبر میدهد و اهالی ده به زاندا میری... ۳ روز بعد این یاران وفادار زحمتکش پس از انجام تشریفات به اصطلاح قانونی در گورستان "وادی رحمت" تبریز به خاک سپرده میشوند و در دفتر گورستان نوشته میشود: ۲: جنازه مجهول الهویه!... و ما موفق میشویم پس از جستجوی بسیار سرانجام روز جمعه ۲۴ مرداد ماه از کم و کیف این جنایت هولناک آگاهی یابیم.

آری اینچنین ۲ تن دیگر از فرزندان انقلابی خلق، دو پیکارگر کمونیست بدست ما موری کمیتها و پاسداران ارتجاع به شهادت میرسند. و این چنین ۲ تن دیگر از رفقای مبارز ما هم را روشنا خسته ترور - بستی - فاشیستی سر به نیست میکنند. روشنی که از مدتها پیش در مورد انقلابیون کمونیست و دیگر نیرو - های انقلابی و مترقی بکار میبرد، روشنی که با ملاحده حزب جمهوری اسلامی در سپاه پاسداران و کمیتها - ها طراحی و به اجرا گذاشته میشود. همچنانکه هموطنان مبارز ما اطلاع دارند ارتجاع با این روش و تاکتیک جنایتکارانه و فاشیستی تا بحال بسیاری از فرزندان انقلابی خلق را ترور کرده است. رفیق پیکارگرنا صر توفیقین در اصفهان، چهار رهبر خلق ترکمن، رفقای فدائی: توماج، مخنوم، جرجانی واحدی، کارگر مجاهد نامرحمدی و... و بسیاری از رفقا و مبارزین دیگر همه و همه با همین شیوه فاشیستی و جنایتکارانه به شهادت رسیده اند.

در این میان بنی صدر و دیگر لیبرالها ظاهرا خود را مخالف این روشها نشان میدهند، اما با بیعتی صدر که بعنوان فرمانده کل قوا، مسئولیت تمامی جنایات ارتش فدخلقی و پاسداران ارتجاع را در کردستان و غیره به عهده دار میشوند و خود را تشریفه نمایی؟ یا کسی که در مورد ۴ رهبر خلق ترکمن آشکارا اعلام کرد که "بمنظر من نیز آنها با ایداعا میشوند دولتی نه به این صورت!" اما نمیتوانند مخالف سرکوب انقلابیون باشند! هرگز! و فقط در این باتان مورد در اینجا و آنجا در نوع و در شکل کشتار و سرکوب با دیگران مخالفتها می دارند و در گونه در هدف بهمان گونه که خود نیز گفته است "حزب جمهوری اسلامی" و سازمانها و ارگانهای مسلح تحت نفوذ آن نظیر کمیتها و سپاه پاسداران اختلافی ندارد و "میتاق وحدت" بسته است.

به همین دلیل ما این قبیل جنایات را نه کار با اصطلاح "باندای سپاه" و نه کار با اصطلاح "جناح بد" هیات حاکمه میانه به شیوه ای میداند به طور یکپارچه و سراسری در "کمیتها" و "سپاه پاسداران" و کمیتها

"مبارزه با سازمانهای سیاسی" که وابسته به حزب جمهوری اسلامی است (پیکار ۶۲) طراحی و توسط آنان و دیگر مزدوران آنها به مرحله اجرا گذاشته میشود. ما این را سیاسی میدانیم که ارتش فدخلقی از آن در اشکال دیگری در کردستان استفاده میکند، و بنا بر این معتقدیم که هرگونه تحلیل دیگری از قیام با کسه بخشی از رژیم را تشریفه نماید و یا این جنایات را به ارگانهای با اصطلاح "غیر مسئول" نسبت دهد، آگاهانه و یا آگاهانه عملاً بر جنايات رژیم جمهوری اسلامی برده می اندازد، و در تشریفه جنایات آنها تلاش میکند. نیرو - هائی که با پورتویست و این تصور از زمین هواداران خود ایجاد میکنند که بستی مدرا سا با مخالف این روشها است گوشتی نمیتوانند گشتی به کردستان بیا نندازند تا حقایق کوسنده را بر این آشکارا ببینند و...

هموطنان مبارز!

اکنون که دوشین دیگر از فرزندان انقلابی خلق به جرم عشق به زحمتکش و به جرم بخش اعلامیه و آگاه کردن خلق قربانی چنین توطئه های رذیله ای میگردند با زهم بیشتر معلوم میگردد که ارتجاع تا چه حد از آگاهی توده ها هراس دارد. بر راستی ما در این اعلامیه - جی - نویسیم که اینچنین مدعیان "عدالت" اسلامی را بر - آشفته می سازد؟ ما در این ورقه های آگاهی بخش چه میگوئیم که اینچنین سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را به هراس انداخته است؟ آیا ما جرحیقت را میگوئیم آیا ما جز در ملاح خلق حرف میزنیم؟ و...

هموطنان مبارز!

به برکت اعلامیه ها و تشریفات آگاهی بخش که از سوی کمونیستها و نیروهای انقلابی بوده است که امروز توده های بسیاری از بنده توم نیست به مدعیان دروغین رژیم جمهوری اسلامی بیرون آمده اند تجربه آنها نیز حقایق ما را ست گواهی ما و عدم حقایق نیست رژیم و دروغ گوشتی و فریبکاری آن را ثابت کرده است... و این است دلیل ددمنشی ارتجاع علیه انقلابیون! آنان از آگاهی توده ها آنچنان هراس دارند که به خائنه ای مرتجع اما جمعه بهران، در نماز جمعه می گوید را سندها کسی هائی که تا به پیش میکنند را با بدما را ت کرد! (بدین ترتیب او قبل از هر چیز ترس خود و رژیم را در رسیدن اخبار انقلابی به گوش مردم نشان میدهد)، و...

اما ما با تمام قوا در آگاهی خلق، با زهم بیشتر خواهیم کوشید، نه دستگیری و نه شکنجه و نه اعدام و ترور هیچیک ما را از وظایف انقلابی خود با زخا هدا است رژیم شاه را نیز بسیار تلاش کرده که سازمانهای انقلابی را از حرکت باز دارد و دولتی نتوانست و انقلابیون با فداکاری تمام، شبانه و روزانه و اعلامیه ها را بدست خلیق رساندند. و اینک که انقلاب لشکری از فرزندان خلق و جوانان کارگزار زحمتکش و روشنفکران تربیت کرده است، ارتجاع نه با چند مدچرک بلکه با مدها و ابزار فرا زحمتکش و روشنفکران و جوانان انقلابی ما طرف را - با شده شبکه پخش اعلامیه ها و تشریفات انقلابی را سازمان میدهد! و آنها را علیرغم هر گونه در سری و گاه به قیمت جان نشان بدست خلق می رانند. آری انقلاب از مسعود صالحی را دها و طبیب نجم الدینی ها که علیرغم کمی سنان، از سال ۵۵ و ۵۶ به بعد علیه رژیم شاه متعهدا به پیکار کرده اند، در قیام ما لانه شرکت نموده اند و ترس و ترس را کز و اک (رشت) و در کنار توده ها سیرد کرده اند مدها و مدها را زبر و رانده است و جوشش

گزارشی...

بقیه از صفحه ۱۶

و ضرب و شتم نیروهای انقلابی و محکوم گردشتان در دادگاههای فرمانی بسنده میگردد، امروز با نزدیک دیدن لحظه مرگشان به شیوه ترور دست میزنند و سعی میکنند با ایجاد جواریب و خفقان فاشیستی جلو حرکات ما را بگیرند. اما چه باک، ما که با توده ها، کارگران، زحمتکش و ویا شهیدانمان، مبتاق بسنده ایم که برای بدست آوردن پیروزی نهائی و استفسرار جمهوری دمکراتیک خلق از هیچ کوششی فروگذار نمیکنیم طبیعی است که هذیانها و حرکات محتضرا نه رژیم و پاسداران نشیمنی است ما نمی در جرح و حرکت ما با تودما با ردیگر به خون سرخ رفقای شهید مسعود صالحی را در و طبیب نجم الدینی که بوی زرم قهرمانانه کمونیستها را میدهد، به یاد آرستان که از آردمان زحمتکش ما به گرفته است و گوئند میخوریم که راه افتخارشان را تا کسب پیروزی نهائی دنبال می کنیم. ما غمسن ارج نهادن به خا سواده رفقای شهید مسعود صالحی را در و طبیب نجم الدینی که چنین فرزندان مبارزی را در دا من خود پرورده و به پیشگاه خلق و انقلاب اهدا کردند با قلبی سرشار از اندوه و کینه نسبت به دشمنان انقلاب با خا سوادهای این رفقا ابراز همدردی می نمائیم و با ردیگر تشفد خود را در پیگیری راه رفقا یادآور میشویم. سازمان پیکار در راه آزادی طبیفه کارگر - کمیتها در باجان - ۵۹/۵/۲۷ این مراسم در ساعت ۷/۵ بعد از ظهر با شعارهای در محکوم کردن غاملان این جنایت بی پایان رسید.

مراسم بزرگداشت یاد رفیق شهید مسعود صالحی را در درشت

بمناسبت ترور و حشایان و فاشیستی رفیق شهید مسعود صالحی را در (اهل رشت) از طرف هواداران و دوست - داران آن رفیق یک راهیما شتی در درشت ترتیب یافت. این راهیما شتی در ساعت ۶/۴۵ از ابتدای خیابان طالقانی شروع و راهیما با بن بطرف منزل رفیق حرکت کردند، در این راهیما شتی با شعارهای نظیر "درد بر رفیق شهید صالحی" و "درد بر رفیق شهید صالحی که بدست پاسداران شهید شد" و... ظاهره رفیق زنده گشت در جلوراه هیما با بن عکس رفیق همرا به دستگلی مفا و مصمیت و وفاداری رفیق را به زحمتکشان تدا عسی میکرد. راهیما با بن پس از رسیدن به منزل رفیق در حیات خانه با دوا گرامی داشتند. در اینجا بهیام کمیتها در باجان و حوزه گیلان و دانشجویان و دانش - آموزان هوادار در گیلان به خا سواده رفیق قرا ت شد و مرا سمبا نگه و تما مدراجا لیکه پاسداران کوشش بی - نتیجه ای برای برهم زدن مراسم عمل آورده بودند در ساعت ۷/۵ با بان با نعت ۱۰ البتة طبق معمول ۱۲-۱ نفر از قائلانها و وابستان حزب جمهوری اسلامی نیز - تمذیر همزدن مراسم را دشتند که موفق نشدند.

انقلابی جا معه ما با زهم بیشتر از آنها خوا هد بروراند، و از خون مسودها و طبیبها هزاران مسعود و طبیب پیدا خواهند شد و سرانجام سبیل خروشان خلق نظم را به نظم برتری طبقاتی و ملی را برهم خواهد ریخت و انقلاب تا تمام خلقها یما را به سرانجام خواهد رساند!

مرگ بر جلا دگان فرزندان انقلابی خلق!

مرگ بر امپریالیسم آمریکای حامیان داخلی او!

زنده باد پیکار پر خروش توده ها!

هنرمقاومت هنرپرولتری



نگاهی ستاينده به شعر انقلاب مشروطيت:

آيينه زنده هنر برابر توفان انقلاب (۲)

آستانه انقلاب:

ما را انقلاب دمکراتیک و فدا امیریا لیستی مشروطیت، در شرایطی نواخته شد که جنبش دمکراتیک خلفای آسیا در اوایل قرن نوزدهم، برای رهایی از قید و بند پیدایش افکار فئودال لیسم و سلطه امیریا لیسم که از ارتجاع داخلی و بسته به خود حمایت میکرد، به سرعت نشو و نما می یافت.

کیفیت عاقلی و درونی نیروهای جامعه، بر زمینه موقعیت طبقاتی گوناگون در این شرایط عینی مشخص بود که بروز پیدا میکرد. احساسات کین و نفرت، امید و آرزوهای، باطن و تزلزل و... آنها بیجا چیزی جز آشکارساز پیچیده موقعیت مشخص طبقاتی نمیتوانست باشد. شعر که بیانگر کیفیت روحی، آگاهی های حسی و امیال طبقاتی در شکل ویژه ای از اشکال هنری است در چنین اوضاعی بدل به آئینه ای میگشت که تلاطم درونی طبقات را به اشکارترین صورت ممکن بازمی گفت. این موقعیت عینی مشخص چه بود که با زبان آن در ذهن شاعران گوناگون که نمایندگان هنری طبقات مختلف بودند، امیال ترسناک و آفرینش آنان را تشکیل میداد؟ نیروی است بطور فزاینده نیروی برآیند ما: در این دوران زندگی میلیونها زحمتکش که اکثریت آنان را دهقانان در کلبه عنوان نیروی اساسی تشکیل میدادند در شرایط فقر و فلاکت، فحطی و گرسنگی، زیر یوغ ستم و وحشیانه قرون وسطای اربابان اشراف، درباریان و فئودالها و کلا ارتجاع داخلی وابسته سیری میشد و جریان یافتن محدود سرمایه امیریا لیستی در بنیاد دیناریت و دینا دجا معطوف به وسیع امیریا لیسم تا نیرددید و مرگبار خود را بر تشدید این فقر و فلاکت باقی می نهاد. اقلیت ناچیزی که بر سر مرده شد تسلط شوم خویش را در جامعه نیمه فئودال - نیمه مستعمره بوسیله قدرت مطلقه و استبدادی دولت پرتو ده های ستم - کش تحمیل میکردند، نفوذ سرمایه امیریا لیستی در آن دوران برخلاف رشد خود پوی سرمایه داری، طبق مقتضیات خود، نه تنها با این نظم مرتجعانه به مخالفت بر نمی خاست بلکه با آن ساز و باری و جلوه گیری از رشد خود پوی سرمایه معنی آن را تقویت می نمود. و سبب افزودن اشکال جدیدی از ستم بر انواع ستمهای پیشین میگشت که عمیقاً بر محتوای خواستهای دمکراتیک نشوده ها اثر می نهاد. تشدید ستمگری ملی تا بود کردن استقلال، به قید آوردن خلقهای تحت ستم در

همه ابعاد اقتصادی و سیاسی به دفع رشد و تکامل کشور - های امیریا لیستی و... بیش از پیش ادا میزدگی به شیوه سابق را برای طبقات خلق ناممکن میساخت و زمینه بیداری و تشدید مبارزات دمکراتیک را فراهم میکرد و جنبشهای مقاومت جویانه توده های و ضد استعاری را گسترش میداد و توده ها را علیه رگود قرون وسطایی یک دوران تاریخی برمی انگیزد. و در همین راستا که ما به خصوصیت متمایز این جنبش با مبارزاتی که درون جامعه ای با مناسبات روبرو و فئودالی همپای رشد

مبارزات انقلابی و احساسات کینه جویانه طبقات خلق و حتی بورژوازی ملی در آن زمان قرار نمیگرفت اگر طوطی و اربابین بسنده نما شیم که نفوذ سرمایه امیر - با لیستی و رشد آن بخشی از سرمایه و امتیازات و انحصارات سرمایه دارانه که در بنیاد امیریا لیسم بنا می - داد، بهر حال نفوذ سرمایه در درگاه و بی جا معای فرتوت بوده، اگر ما سطحی انگارانه به سیم تلگراف، خط آهن نقش سرمایه ملی امیریا لیسم و در پیوند با آن به موجودیت آن بخش از سرمایه بزرگ تجاری که در پیوند با امیریا لیسم قرار می گرفت و بی شک موجب پیدایش نوعی از مناسبات سرمایه دارانه میگشت چشم دویم ما به جنبه دیگر این پدیده ها از لحاظ پاسخ به نیازهای امیریا لیسمی توجه با شیم و با نظرگاه چپ - روانه و دکما تیک و با استدلال ارسطویی الف الف است و سرمایه، سرمایه است، قفا با راجل و فعل نمایم نتیجه ناگزیر این خواهد شد که مقامی را که در واقعیت از سوی توده ها در برابر این جریان بروز می نمود و در جنبه ذهنی فعل ایشان انعکاس می یافت، بمنابر مقاومت سرمایه کوچک در برابر سرمایه بزرگ در شرایط رشد کلاسیک سرمایه داری، مقامی ارتجاعی قلمداد نمائیم و در پیچیده هنر، جنبه اشکارا انقلابی احساسات مقاومت جویانه طبقات خلق را نسبت به آن نفی کنیم.

بخش بزرگی از اشعار مقاومت جویانه دوران مشروطه مشعوب است از بیان نفرت و کینه علیه سلطه امیریا لیسم و نقش اسارت بار نفوذ سرمایه امیریا لیستی و... و نسبت به میوه چنان انقلاب و کوشندگان پاهرجائی مناسبات پیوسته که نه.

به این ترتیب مقدمتار شناخت حقیقی شرایط عینی آن دوران باید چند مسئله اساسی را مورد نظر قرار داد. اول آنکه سلطه امیریا لیسم و نفوذ سرمایه - امیریا لیستی در اشکال مختلف و گرفتن امتیازات و به انحصار درآوردن رشته های تولید و فعالیت در این زمینه ها... درون مناسبات نیمه فئودال - نیمه مستعمره جریان یافته ای بود که موجب برانگیختن احساسات استقلال طلبانه توده ها میگشت. این جریان در یک دوره نسبتاً طولانی گذار به سرمایه داری وابسته که عمیقاً متناسب با نیازهای امیریا لیسم است نه تنها با مناسبات ارتجاعی و قرون وسطایی درون جامعه از در تمام در بنیاد مدلی که با آن ساز و کار بود و برآورد خود پوی سرمایه معنی در داخل، به تقویت آن پرداخت و موجبات سخت جانی اش را فراهم آورد.

دوم آنکه نقش آن بخش از سرمایه تجاری را که به تدریج به زاده سرمایه امیریا لیستی بدل گردید - مترادف با نقش سرمایه به جانی دانستن، با گریزهای درک محدود و خشک اندیشی است. دقیقاً باید توجه کرد این سرمایه حیات خود را مدیون نقش انگلی خود قرار گرفتن در چرخه چوب مقتضیات رشد و تکامل سرمایه امیریا لیستی و شرکت کارگران را نه در به ورنگستگی کشاندن سرمایه داری داخلی است. این ورنگستگی به این صورت اتفاق نمی افتاد که همچون اشکال کلاسیک، سرمایه های تجاری فقه و بزرگ که در جریان رشد خود سرمایه به پدید آمده بود و سرمایه نگردیده ای رشد سرمایه داری را نه محسوب میشدند، سرمایه های کوچک - ترا بیلند و به این ترتیب نیرومندی شان محمول

کلاسیک سرمایه داری صورت نمیگرفت، بی می بریم. این مبارزات به طور همبسته، با زیر ضربات انقلابی قرار دادن نظام کهن علیه سلطه امیریا لیسم و نفوذ سرمایه بیگانه و امتیازات انحصاری امیریا لیستی درمی گرفت. لیکن چنین حقیقتی هیچگاه به معنی مخالفت ارتجاعی با سرمایه داری نبود. آن دیدگاه "چپ" و ذهنی اشکارا که در به شناخت کیفیت متمایز رشد مناسبات سرمایه داری تحت مقتضیات امیریا لیسم و رشد خود پوی سرمایه داری نیست هیچگاه در به توضیح انقلابی این مبارزات نخواهد بود. بدون در نظر گرفتن این حقیقت اساسی، هرگز قادر نخواهیم بود به طور مشخص و جزئی به تحلیل همه پدیده های مادی و معنوی متنوع آن دوران بپردازیم و در نتیجه به طور عاجز آمیزی گرفتار درکی شدیداً فدا رگبستی و فادگر گونه ارزش عینی خواهیم شد. درک این تمایز از نقطه نظر فهم و آگاهی و مشخص موقعیت طبقات و انعکاس آن در ذهنیت طبقات مختلف برای ما اهمیت غیر قابل چشم پوشی دارد. ما در شعر مشروطه که در خود جنبه های اشکالی طبقاتی را منعکس میازد عمیقاً متوجه تاثرات این واقعیات در کیفیت مبارزات توده ها میشویم. در واقع بخش بزرگی از اشعار مقاومت جویانه دوران مشروطه مشعوب است از بیان نفرت و کینه علیه سلطه امیریا لیسم و نقش اسارت بار نفوذ سرمایه امیریا لیستی و... و نسبت به میوه چنان انقلاب و کوشندگان پاهرجائی مناسبات پیوسته که نه. در حالیکه اگر این سرمایه نقش مترقیانه - انده ای میداشت، یعنی همان نقشی که رشد خود پوی سرمایه معنی... علیه مناسبات ارتجاعی قرون وسطای ایفا نمود، هیچگاه یا بگونه در زیر مهمیز

مشکل زحمتکشان گرانی، گرانی، سرمایه دار و تاجر عوامل گرانی

دست ارتجاع از مراکز آموزشی کوتاه!

و ششم قرار گرفتند (روزنامه ما، ۵۸/۸/۲۹). در چهاردهم بهمن ماه سال گذشته حملات سازمان یا فتنه اوپاش و جماعت را از حزب جمهوری به مدارس و مراکز آموزشی آنها و تظاهرات و تظاهرات در جریان آن یک معلم مبارز به زندان افکندند. در همین تاریخ ۱۰ نفر از آموزگاران "فهرست برین" دستگیر شدند که منجر به استعفای دویست نفر از معلمان شهر بهشتیانی از فرد دستگیر شده گردید. با زهم در همین ماه به دنبال حمله ای که از طرف جانشینان و پادشاهان به مدارس کمانیاران صورت گرفت، ۶۰۰ تن از معلمان دست به اعتصاب زدند (نشریه ما، ۱۲۵۰ کا، نون مستقل) در ۲۱ بهمن ماه سال گذشته یک نفر از آموزگاران شهر اراک به اتهام فعالیت های خلاف دین "آرژاموش و پرورش اخراج گردید (خبرنامه شماره ۱۱۵ کا، نون مستقل) در "بزه ده نفر از معلمان که به تبعید یکی از همکاران خود معترض بودند اخراج شدند (کیهان ۵۸/۱۲/۲). دیگر نمونه های فوق که تنها گذشته بسیار کوچکی از واقعیت آنچه که در محیط آموزش و پرورش گذشته است می باشد. برای ادای حق مطلب کافی است رژیمها استخفا و محاسباتی تحت عنوان "معلمان پرورش و امور تربیتی" و "فرستادن آنها به مدارس این محیط های آموزش را به شدت کنترل میکنند. آنها تا حتما که تحت فشار معلمان و دانش آموزان مبارز آموزشگاهها مجبور به اخراج و تبعید عنا سر و آواکی و غیره شده. همین معلمان مبارزان نیز دست به اخراج و بازداشت میگردند و برای اعتبار کردن آنان، بهیرمانه نشان را در ردیف همان سواکیها اعلام میدارد. جالب اینکه احکام اخراج و بازداشتی اجباری بسیاری از معلمان مبارزان را با آواکی بنام "طالفا - نی" مفا کرده است! ایشان تحت توجهات رژیم جمهوری اسلامی سمت رسیدگی به اعتراضات اخراج شدگان را در اداره کل آموزش و پرورش استان بهمه داده و در جالب - تر اینکه مقامات آموزش و پرورش اخیرا بی - سواکی بودن ایشان برده اند!

بقیه در صفحه ۱۵

رژیم جمهوری اسلامی مدتهاست که در آدا مه سبالت سرکوبگرانه و ضد مکرانیک خود، آموزش و پرورش را نیز به عرصه تاخت و تا خود بدیل ساخته است. از آنجا که هیات حاکمه آرژاموشی بوده ها همچون جن از بسما الله وحشت دارد، تماما می کا نوسه ای آکا هی بخش را هدف حمله قرار داده است و در مدتی است که فرهنگ تاریک - خانه قرون وسطی را برجا معه متحول ایران مسلط سازد. از آنرو که ملا قابل پیش بینی بود که بدنبال توقیف روزنامه ها و نشریات مترقی و بستن مسئولان دانشگاهها، دبیرستانها و مدارس را نیز مضمون از تعرض نگذارد. عملگر در رژیم در مورد آموزش و پرورش همچون دیگر زمینه ها، کارنا مه های است مملو از جناحیت و کشتار، سرکوب و خفان که ذکر نمونه ها ثی چند کافی است تا ما بهیت سرکوبگرانه و پادشاهانی رژیم را بر ملا نمایم. جلوگیری از فعالیت سیاسی دانش آموزان و آموزشگاهان انقلابی به منظور هموار نمودن راه سلطه فرهنگ ارتجاعی، تبعید، اخراج و کاه اعدام معلمان آگاه و مبارز همچون حسن طلسی، کرجی بیانی، عبدالله قزل جالی زاده و... همه و همه در خدمت تثبیت رژیم ضد مردمی و ضد مکرانیک جمهوری اسلامی بکار گرفته میشوند.



راه انبوه بیگاران می پیوست و به صورت خیل عظیم فلاکت زده نیمه پرولتاریا تا مشکل درمی آورد و بر خلاف رشد کلاسیک سرمایه داری در اینجا نه به رشدنا به که بهش وسیعی آرژاموش را بخود جذب کند و به صورت پرولتاریا متشکل در آورد، بلکه با ورنگستی منابع روبرو میشوند، خواستنا بودی همه آرژاموش را بنفوذ لیسمو قطع سلطه امیریا لیسمو دیگر خواسته ای دمکراتیک زمینه اتحاد طبیعی پرولتاریا، نیمه پرولتاریا و نیروی اساسی دهقانی را فراهم می آورد و چنین شرایطی کل زحمتکشان و حتی طبقات استثمارگر، اما ضد امیریا لیست و مخالف نظام ارتجاعی و کینه ها کم را به انقلاب جلب مینماید. بورژوازی عمدتا از آرژاموش باز و از قشرهای گوناگون تشکیل شده بود، آن بخش از بورژوازی تجاری که در ارتباط با سرمایه های امیر - بالیستی بود دنیا به موقعیت خود نه مخالف سلطه امیر - بالیسم، نه مخالف جدی فتوا لیسمو سرعکس توده ها نه خواستنا بودی روسای ارتجاعی جا معه شمرده می -

تنگا مل سرمایه داری در یک مرحله از حیات و رشد آن به حساب آید، برعکس سرمایه داری حلی در نتیجه انحصار اعتبارات مالی توسط بانکهای خارجی، عملکرد شبکه های بانکی که امتیاز آن در اختیار امیریا لیستها قرار داشت، صدور محصولات امیریا لیستی که بنا بر رشد سرمایه داری امیریا لیستی را بیان می نمود. در سیرون به ورنگستی کشیده میشدند و ورنگستی شان هیچ ارتباطی به رشد خود پوی سرمایه داری نداشت. همچنان که رشد و حیات سرمایه به تجاری که وابسته به سرمایه امیریا لیستی میشد، به معنی تنگامل عالی و خود پوی سرمایه داری نبود. تمام اسناد و مدارک دوران مشروطه تنها این حقایق را تأیید میکنند بلکه همچنان بسیار اقدامات سرکوبگرانه و آشکارا انگلیس و روسیه علیه سرمایه ملی است. در واقع دستگاه حاکمه فتوادلی قاجار، به دست و دلبازی برای ادا مه حیات خود زمینه مناسب را برای تاخت و تا ز امیریا لیستها فراهم می - آورد و دادن امتیازات اسارت با را اقتصادی و سیاسی و... کشور در دست در اختیار مفتضات سرمایه امیریا لیستی قرار دارد. به همین دلیل است که در آن دوران در کشتار مبارزات توده ها تا حدی و مت با زرگان تا ن داخل علیه نفوذ بورژوازی و امیریا لیستها هستیم. هر چند که ضعف و ناتوانی شان اجازه مبارزه ای پیگیر را به آنان نمیداد و به نوبه مشاهده میکنیم که چگونه میگردند خواسته های دموکراتیک توده ها را تا سطح درخواستهای نازل خود به عقب رانند و به فراموشی اصلاح طلبانه استبداد فتوادلی قاجار که تنها به تکرار فراموشی توده ها و اعتلای انقلابی بود، دل بندند.

بهرحال هر درک انحرافی در مورد شرایط عینی آن دوران، عملا تا شرمینگی خود را در ساختار صحیح بدیده های ذهنی دوران مشروطیت و در اینجا هتربهای می بینیم. همچنان که توجه به کجایه به مسئله رشد نیروهای مولد و عدم توجه عمیق به عوامل بیجده ای کومنیات عمومی بین طبقات تعیین میکنند سبب میشود که ما موقعیت واقعی طبقات گوناگون را در صفت بندی بین نیروهای انقلاب و ضد انقلاب و نیروهای منززل درک نکنیم.

اکنون بطور فشرده میخواهیم موقعیت طبقات را در شرایط عینی و مشخص دوران انقلاب مشروطیت چنین ترسیم کنیم: وجود روابط تازه خرگندیده فتوادلی در همه میخانه ها سلطه امیریا لیسم، تحمل فلاکت و ستم برای توده های زحمتکش تا ممکن ساخت، سعی در قبضه کردن مواضع کلیدی سوسیله امیریا لیسم فرمان - رواشی سرمایه امیریا لیستی در شهر و جران با فتنن در تولید و با زبولید اجتماع و مفتضات امیریا لیسم برای تولید محصولات مورد نیاز راجهانی در بخش کشتا و روزی... از یک طرف عدم توانایی تولید فتو - دالی در پاسخ به نیازهای مادی جا معه سبب میشد که کل دهقانان به مثابه نیروی اساسی تولید کننده جا معه که در روستا ها در حال وابستگی به زمین نگاه داشته شده بودند، قادر به تولید آنچه که خود دنیا زدا شدند نباشد و در نتیجه به ارتجاعی از برای درمی آمدند و آنگاه که دست به دست به شهر مها جرت میکردند، به فلاکتی دوچندان روبرو میشدند، ورنگستی صنعتگران و خرابی شهرها و زندگی پر آداب زحمتکشان شهر، آنان

درود بر تمامی شهدای بخون خفته جنبش دانشجویان انقلابی

کمکهای مالی دریافت شده

۲۴۰۰	ف	۲۷۰۰	د	۷۰۰۰	آ
۲۲۷۱۰	ق	۸۵۰۰	ز	۱۱۰۰۰	"
۵۲۷۱۰	"	۲۲۰۰۰	"	۱۱۷۰۰	"
۹۰۰۰	"	۲۲۰۰۰	"	۶۷۰۰	الف
۲۵۰۰	ک	۲۷۰۰	ز	۳۱۰۰	"
۶۱۱۱۰	گ	۲۲۷۰۰	"	۲۰۰۰	"
۱۶۶۰۰	ک.م	۱۵۰۰۰	"	۲۲۱۰	"
۶۵۰۰	ک.ف	۱۶۰۰۰	"	۱۱۰۰۰	"
۱۱۲۰۰	م	۱۳۰۰۰	س	۴۱۵۰	"
۶۰۰۰	"	۱۳۰۰۰	"	۲۲۲۸۰	ب
۶۵۰۰	"	۱۳۰۰۰	"	۱۰۹۰۰	ب-ب
۱۳۲۴۰	"	۶۰۰۰	ش	۵۰۰۰	پ
۱۴۰۰۰	"	۱۵۰۰۰	"	۱۰۵۰۰	"
۲۲۱۰۰	"	۳۱۰۰	"	۳۴۰۰	ت
۲۰۰۰	"	۶۰۰۰	ص	۲۲۹۰	ج
۷۰۰۰	"	۲۲۲۰۰	"	۷۳۱۰	"
۹۵۰۰	"	۶۰۰۰	"	۳۹۰۰	"
۳۰۰۰	"	۱۰۰۰۰	ط	۱۰۰۰۰	ج
۹۰۰۰۰	م-الف	۱۹۱۰۰	"	۱۶۰۰۰	ح
۲۸۰۰	ن	۲۰۰۰۰	"	۱۹۰۰۰	"
۱۲۸۰۰	"	۸۰۰۰	ع	۱۳۰۰۰	خ
۶۲۰۰	"	۶۸۰۰	"	۸۰۶۰	"
۱۰۰۰۰	ه	۱۰۰۰۰	ف	۱۱۱۱۰	ی
۲۲۷۰۰	"	۱۵۵۵۰	"		
		۳۰۰۰	ا-ت		

۱ - مادرم با ۱۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
۲ - رفیق مادر ۱۲۳۰۰، مبلغ ۲۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت گردید.
۳ - رفیق شیرخورد در جریان هجوم ارتجاع بد اشتگاه مبلغ ۱۳۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
۴ - رفیق (دبیل و وظیفه) مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالی ات دریافت گردید.
۵ - رفیق هسته هواد را زمان در اندیشک، مبلغ ۵۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت گردید.
۶ - رفیق گ، ۲۳ ازگیلان، هدیه شما همراه با ۱۰۰۰۰ ریال رسید.
۷ - رفیق هواد را زمان در میان، مبلغ ۲۵۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت گردید.
۸ - رفیق "ممد"، هدیه شما رسید.
۹ - رفیق گ، مبلغ ۱۲۷۰۰۰ ریال کمک مالی ات دریافت گردید.
۱۰ - رفیق فدرا سبون محملین و دانشجویان ایرانی در فرانسه، هواد را زمان، مبلغ ۴۸۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
۱۱ - رفیق ای انا بدیه دانشجویان ایرانی در آلمان و برلین غربی، هواد را زمان، مبلغ ۲۰۰۰ ماریک کمک مالی شما دریافت گردید.
۱۲ - رفیق کا ووس، هدیه ات رسید.
۱۳ - رفیق ۱۷ شهریور "کمکهای داروشی شما رسید.
۱۴ - رفیق احمد، هدیه ات رسید.
رفقا، دوستان!
کمکهای مالی خود را احتیاجا همراه با حرف اول اسم خود و عددی انتخابی (عداگت سه رقمی) بعنوان "گد" برای ما بفرستید.
پیروزباشید

استحار "حضرت امام" و عموم مردم برسد. "تنها چشم خود را بر روی این امر بیداری و روشن می بیند که آیت الله خمینی "حقایق" را آنطور که باید و منظور که بنا بر ما هیت طبقاتی خود می فهمد به "عموم مردم" عرضه کرده است. آنها این مسئله را تمعدا فراموش می کنند و به چشم توده ها خاک میپاشند که با این امر منظر نکنند که حقایق که خمینی در رابطه با مجاهدین

بقیه در صفحه ۱۳

همه و همه عواملی بودند که مانع از به قدرت رسیدن و تثبیت چنین حکومتی می شد. و این وضع در حالی که کودتاگران خاش از قدرت بیشتری نیز برخوردار می بودند مدافق است. در مورد دست داشتن "... بخش وسیعی از احکامیت..." در این کودتا نیز که مورد نظر شماست تمام ما کتبی عینی و تحلیلی قضا با خلاف آن را اثبات میکند. بطور مثال بهیچوجه نمیتوان ثابت کرد که بخشی از افسرانهای سپهبد قدرت در کودتا دست داشته اند اما چه رسد به بخش وسیعی "از آنها".

رفقا پیروزباشید! (بعد از این نام ها بنام را با دوحرف فارسی امضا کنید.)

رفیق ف (داداش آموز) نامه ات رسید. در مورد سادۀ نوشتن مقالات پیکار مرا حتماً به سید بیکار ۶۶ صفحه پاسخ بده تا ما هم در مورد کودتای ارتجاعی مسزوران امیرالیم هم لایحه میداند که در بیکار ۶۳ مقاله کودتا: بنوطه ای امیرالیمستی برای سرکوب جنبش خلق و نیروهای انقلابی و در بیکار ۶۴ مقاله کودتای آمریکا نقش ضد خلقی ارتش جمهوری اسلامی و حامیان آن را بیشتر بر ملا میکند. درج شده است. و مقاله بیکار ۶۴ نا حد زیادی ساده بود می توانست خواست شما را (بزرگ کردن و تکثیر مقاله) بر طرف سرف نماید. اما مضمون انتقاد را که با بدجنس ما ثلثی را ساده و قابل فهم برای توده ها نوشت کاملاً درست میداند. نیم و ما هم بطور که قبلاً نیز قول داده ایم سعی خواهیم کرد این نقیصه را بر طرف سازیم.

برایمان در راه پیوند هر چه بیشتر و مستحکم تر با توده ها آرزوی موفقیت میکنیم.

بقیه در صفحه ۸ موضوعی...

ساست و عملکرد ما نشان دهنده آنست که در برابر رژیم جمهوری اسلامی و عدول آنها از وظیفه انقلابی - شان نسبت به توده های هواد را غیر هوادار نیست. آنها نمیتوانند بگویند که سیاست ما چنین نبوده و یا لااقل چنین نیست زیرا در این صورت با بیستی سیل اعلامیه های اخیر که بمناسبتیهای مختلف و خطا ب به اشخاص گوناگون (از آیت الله خمینی گرفته تا سید احمد خمینی و دادستان و هاشمی رفسنجانی و رئیس جمهور و ...) انتشار داده اند و تمام آنها همدارای مضامین مذکور در بالا میباشند. آنها را تنها بر بنیاد نگاهی به اعلامیه ها، تلگرافها و نامه های اخیر مجاهدین منجمله تلگراف به آیت الله خمینی، تلگراف به سید احمد خمینی، نامه به رئیس مجلس و... نشان میدهند که هنوز مجاهدین کوشش فراوانی را میبذل می دارند که واقعات را آنطور که هست از چشم توده های خلق و هواداران خود پوشیده نگا دارند. آنها در تلگراف به سید احمد خمینی و نیز در تلگراف به خود آیت الله با زهم بطرز غیر صادقانه ای تلاش کرده اند که موضوعی - های او را از سری اطلاعی وی از جریانات جامعه نشان دهند. با زهم پوشیده اند که آیت الله خمینی را از کل هیئت حاکمه جدا کنند و در نتیجه او را از سیاستها و عملکردهای ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی دور نگه داشته و تشریف نمایند. بهمین جهت از "مضامین" خمینی "تقاصاً میکنند" حاج احمد آقا" و با یک فسرده دیگری که مورد اعتماد خمینی است را مسئول رسیدگی به کارهای مجاهدین کنند "تا حقایق چنان که باید و



رفیق م-ب و (سربا وظیفه) نامه مورخه ۵۹/۵/۲۴ رسید از اینکه ما را در جریان مسائل درونی پادگان گذاشتی از متشکریم. خوب بود ما می کودتای های دستگیر شده از این پادگان و رفتن روختن قبیل از دستگیری آنها را نیز بر ما می نوشتی. همانطور که خودت نیز متذکر شده ای کار سیاسی - تشکیلاتی در سربازان و نظامیان مستعد را با یکا از طریق هسته های مخفی به پیش برد و در این مورد سعی کن با سازمان ارتباط تشکیلاتی برقرار کرده و رهنمود بگیر. در مورد دوشوالتی که کرده ای، در مورد سؤال اول: هم از طریق شعار نویسی بر دیوارهای پادگان و هم از طریق اعلامیه - های افشاگرانه به دریا بطنه موضوعات داخل پادگان می توان افشاکری کرد در ضمن میتوان از مقالات و مطالبی که قبلاً در بیکار راجع به فرماندهان ارتش نظیر خود چمران، فلاحتی، مدنی و باقری و... آمده است استفاده کرد (تکثیر شما با قسمتی از این مقالات و بخش آنها در پادگان...) در مورد افرادی چون مدنی که در ارتش نیز با عداوت با بدیه سربازان و درجه داران نشان داد که چه ما هستی را در دوتا بحال در مورد او کمونیستها چه میگفتند و هر سال جمهوری اسلامی که اکنون با او اختلاف پیدا کرده اند، چگونه روی حمایت میکنند... همچنین بکنیز بخش اخبار و تحلیلهای از کردستان که در رابطه با جنایات ارتش در آنجا در بیکار می آید از نظر تبلیغی بسیار ضروری است.

در مورد اینکه افشاگرها با ما زمان صورت گیری به با بدگفت مطالب افشاگرانه ای که راجع به خود پادگان است لازم نیست با اسم ما زمان باشد و بهتر است در ابتدا با یک امضای مناسب منتشر شود. اما ما هم بطور که گفتیم مقالاتی که از بیکار ریف و تکثیر و بخش میگرد، طبعاً به اسم ما زمان (به نقل از بیکار) است.

رفیق م-ب و... در راه انجام وظایف انقلابی بابت آرزوی موفقیت داریم.

رفقا! نامه مورخه ۵۹/۵/۸ شما رسید. در مورد اولین مسئله ای که مطرح کرده اید حق با شماست. در مورد دوم مسئله ما در حال ارزیابی همه جانبه هستیم و تحلیل خود را از این مسئله در سطح جنبش اراشه خواهم داد. در مورد مقاله کودتا که گفته ایم "... ما یک حساب سرانگشتی نشان میدهند که امیرالیم گاه، چقدر کورویی منطق عمل میکند..." ما این نظرها در رابطه با موقعیت جنبش توده ای بیان کرده ایم. بنظر ما با توجه به وجود اعتلای انقلابی در جامعه و آگاهایی خلق چنین کودتایی نمیتوانست به احکامیت و تثبیت با ندهای مزدور امیرالیمستی منجر گردد. ممکن بود آنها در آنجا مبرخی از طرحهای مقدماتی شان پیروز گردند، اما مقاومت و مقابله خلق با آنها و وارد شدن نیروهای انقلابی به میدان میارزه (در شکل نظامی)

پیدادگری "دادگاههای انقلاب" علیه انقلابیون و زحمتکشان محکوم است

بقیه از صفحه ۱۸ رزمندگان ...

به حساب می آید. گذشته از جنبه شورویک مسئله، واقعیت عملکرد و کردار روسیال امیریا لیم شوروی در عرصه جهانی بوضوح و با روشنی کامل و بدون کوچکترین شبهه اثبات می نماید که چنین اقداماتی تنها از یک ماهیت امیریا لیمیتی برمی خیزد.

صدور سرمایه امیریا لیمیتی، تجارت با سرمایه امیریا لیمیتی، رقابت امیریا لیمیتی با امیریا لیمیتی، دیگر جهت تقسیم منافع نفوذ و اعمال سرکرده گرانسی تجارت نظامی و کودتاها امیریا لیمیتی، سوداگری امیریا لیمیتی در زمینه فروش تسلیحات و همه و همه نمودهای یک ماهیت امیریا لیمیتی می باشد.

رابطه سیاست خارجی با سیاست داخلی چیست؟

رفقای رزمندگان تحت عنوان "نظری ساختار اقتصادی" عملاً اساس این آموزشها را در مورد چگونگی برخورد به روسیال امیریا لیم در نظر می گیرند. بویه فراوانی می سپارند. این رفتارها مقلد روسیال امیریا لیم را یکنواخت می گردانند. لیکن منظورشان از این مقلد یک برداشت سیاسی است. آنان عملاً اقتصاد دوسالست امیریا لیم را از یکدیگر جدا میکنند و به امیریا لیم سیاسی معتقد می باشند. حال آنکه این برداشتی غیر مارکسیستی است. روسیال امیریا لیم شوروی یک مقلد سیاسی - اقتصادی است. کمالاتی که سیاست روسیال امیریا لیم را از اقتصاد آن جدا کنند به انحراف و تزلزل روزیونیستی در غلطیده اند. اکثر شوروی به مدور سرمایه دستان میزند. اگر به نجات و زوگودنا روی می آورند و اگر دارای یک سیاست توسعه طلبانه فذخلقی و امیریا لیمیتی می باشد دلیل ماهیت امیریا لیمیتی آن است. به این دلیل است که در این کشور شوروی از انحطاط دولتی حاکم بوده و اقتصاد شوروی یک اقتصاد امیریا لیمیتی می باشد. رزمندگان می نویسند:

"سوال لیم در شوروی حاکمیت نداشته و سیاست خارجی آن فذخلقی و عدول و لتری و جا و زگرانه است." (رزمندگان شماره ۷). تا کجا از ما است. ما سؤال میکنیم اگر در شوروی روسیال لیم حاکمیت ندارد، پس چه نظری حاکمیت دارد؟ کذا مبطه اجتماعی و کذا میسستم اجتماعی - اقتصادی حاکم می باشد؟ کذا سؤال میکنیم اگر سیاست خارجی شوروی فذخلقی و عدول و لتری و جا و زگرانه است، حملت و ماهیت طبقه ای این سیاست چیست؟ این سیاست ملهم از کذا: منافع طبقه ای و متکی بر مغروریت کذا: میسستم اقتصادی می باشد؟ در برخورد به مسئله روسیال امیریا لیم تکرار غیر مارکسیستی و شامخ خلقی رفقای رزمندگان آنجا تظا هر میکند که سیاست خارجی را از سیاست داخلی یک کشور جدا میکنند؛ سیاست یک طبقه را از خود طبقه و منافع او جدا میکنند. سیاست ملهم از یک میسستم اقتصادی را از خود میسستم جدا میکنند. لنین مطرح میساخت که:

"سیاست خارجی با زتاب مناسبات داخلی یک کشور است و اغافه می نمود که همه دول امیریا لیمیتی "در گفتار از ملحق و عدالت دم میزند، اما در کردار به جنگهای اشغالگران و غارتگران می پردازند" (جلد ۲۶ صفحه ۲۲۰، چاپ روسی)

بقیه از صفحه ۷ امیریا لیم ...

کمالاتی بزرگ نمی از این سود کلان و هکسیت را تصاحب کرده اند. این رفتموسه کوچکی از استثمار و غارت امیریا لیمیتا را نشان میدهد. تشدید بحران امیریا لیمیتی و کوشش در انتقال آن به کشورهای تحت سلطه و مستعمرات، تمادهای طبقاتی و ملی را حصاد کرده و سبب بالا گرفتن جنشهای آرا دیمخس در این کشورها میشود. و با لطمه گسترش این جنشها موجب مریات سکسختی به منافع امیریا لیمیتا میگردد. در کنار تشدید سکسختی امیریا لیمیتی سبزه در شرایط بحران که موجب مستودنا مبارزه ملی طبقاتی در کشورها - های تحت سلطه و مستعمراتی پیدا نماید، مبارزه طبقاتی در خود کشورهای متروپل نیز تسخیم میگردد. این دو سبب در خود یکدیگر، بحران اقتصادی سیاسی - اجتماعی عمیق می یابند و امیریا لیم در کردار آن بیشتر فرو می رود.

کشورهای روسیونیستی سزارانها که از مدار عمومی جهان سرمایه داری دور میسند از عوارض و آثار بحران جهان امیریا لیمیتی نمی توانند بکنار بیایند. بحران ناشی از ساختار اقتصادی سرمایه داری این کشورها تحت تاثیر بحران جهانی تشدید شده و این بحران خود را در کاتر تروج تولید، گسترش تورم و گران شدن نرخ بیکاری و غیره ظاهر می نماید. و با لطمه بر زمینه این بحران است که مبارزه طبقاتی بیش از پیش، اوج میگیرد. نمونه مناروات اقتصادی گسترده در لهستان بخوبی نمایانگر این واقعیت میسند.

حال در چنین شرایط بحران و در مبارزه طبقاتی سیاست طبقه کارگر و کمونیستها چه میسند؟ سیاست طبقه کارگر و کمونیستها، سیاست مبارزه طبقاتی و انقلاب است. در چنین شرایطی که مبارزات طبقاتی بیش از پیش گسترش می یابد، و طبقه کمونیست - هاست که به استقبال آن بشتابند. آنان باید در عین افسای یکدیگر روزیونیستهای رنگارنگ که سعی در به انحطاط کشاندن مبارزات طبقه کارگر دارند از مبارزات طبقه کارگر و کمونیست کسرها و متروپل حمایت نموده از جنشهای واقعا آرا دیمخس در کشورها - های تحت سلطه و مستعمره به دریغ پشتیبانی کنند و خود نیز در سپین خوش انقلاب، غلبه، رنج و امیریا لیم را نادرک ببینند. بخلاف رفتمیستها و روزیونیستها که

و استالین اغافه می نمود که:

"برای امکان ناپدید کردن جنگ با امیریا لیم را نابود ساخت." (مسائل اقتصادی روسیال لیم - ۱۹۵۲)

نکته قابل توجه اینجا است که از نقطه نظر لنینیستی سیاست غارتگران جنگ طلبانسه و اشغالگرانسه ناشی از ماهیت امیریا لیم است. سرمایه مالی امیریا لیمیتی در میل خود به توسعه طلبی هر چه بیشتر و تا مین مافوق سود انحصاری امیریا لیمیتی مجبوره اعمال سنگری ملی، سلب حقوق ملی و دمکراتیک خلقها و پیشبرد سیاست جنگ افروزان و جا و زگرانه و فذخلقی می باشد. آری این سیاست فذخلقی ناشی از اقتصاد امیریا لیمیتی و از مندیهای یک طبقه بورژوا - امیریا لیمیتی می باشد.

بقیه از صفحه ۱۲ موضوعگیری ...

میدان دیدان منقذات استسکه آنها "مخالف" اند و "کثافتین از کفای ریدرند" استسکه شهردان آنها درد هستند، استسکه آنها عوامل آمریکا هستند، استسکه آنها همکارا هستند... با اینحال، با زهمیها هلیس از او "تفاضا" میسکه که حقایی را بیان کند، با زهم این توهمنها درست را در توده ها دامن میسوزند که خدمت ارفما با و اعانتا خارجی درجا به مدشع نیست و این مسئله است که بطور غیر قابل انگاری خلاف واقعیت است. حتی خود آیت الله خمینی مخالف این ادعا و استدلال مجاهدین است. او بارها متذکر شده است که از همه چیز با اطلاع است و همه چیز را میداند. بنا بر این تلاش مجاهدین در این باره و سلب ماضی برای حقنه چنین امر نا درستی فی الواقع کوششی سیهوده و غیبت می باشد.

ادامه دارد

توضیح و تصحیح:

در پیکار ۶۱ عکسی بنام منوچهر جعفری که اندام شده، چاپ شده است. این عکس متعلق به فرد دیگری است. منوچهر جعفری میسازد که اکنون زنده است. علت اشتباه با این بود که چون عکس مهدی جعفری همراه ۵ تن دیگر "رفقا احمد مودن، مهدی علوی توشتری و... از طرف منامات محلی دولتی نگهشور میسند و عوامیل و مسسین حوادث داستگاها هوا زمرفی ندهود و در زر عکس مهدی جعفری کلمه مهدی نا خوانا (بحسو) بود و فقط با مفا میل (یعنی جعفری) مشخص بود برای ما این تصور پیش آمده بود که این عکس متعلق به منوچهر جعفری است که همان زمان همراه با رفیق سپید کسیر ترفی ما و رفیق احمد مودن ادعا میسند. با این توضیح اشتباه قبلی خود را تصحیح میکنم.

میگویند بورژوازی از عوارض اجتماعی و مبارزاتی بحران برکارسا بدو او را از میلهک نجات بخشد، کمونیست - هاست با بدو اما قدرت از چنین موقعیتی برای دامن زدن به انقلاب بهره جویند. آنان با بدشکافای سیستم جهانی را با رشد مبارزات ملی و طبقاتی پر کرده و نظام کهن را هر چه سریعتر به سمت تلاشی و نابودی بکنانند.

●●●

پروا میسند که اگر روسیال امیریا لیم شوروی به نجات و زتاب میزند و سبب از کثافتی را در عرصه بین المللی به پیش می برد این امر دقیقاً در رابطه با ماهیت امیریا لیمیتی این کشور است.

اما جواب رفقای رزمندگان چیست؟ کمالاتی که ساخت امیریا لیمیتی شوروی را بنی میکنند، کمالاتی که رابطه مستقیمی بین سیاست داخلی و سیاست خارجی برقرار نمیکنند، در برابر این آموزش لنینیستی چه میگویند؟ رفقای رزمندگان این مسئله را مشکوت میگردانند و از جواب روشن طفره میروند. بنظر ما این طفره رفتن اتفاقی نیست. این طفره رفتن ناشی از تزلزل این رفتار در برخورد به روسیال امیریا لیم شوروی میسند که قدرت امیریا لیمیتی می باشد.

ادامه دارد

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

مصاحبه با رفیق تراب حق شناس پیرامون یاهوهای شیخ محمد منتظری (قسمت آخر)

با امثال منتظری درست بود تا زه مگر خود او و دوسه نفر همفکری که داشت با آنها همکاری نمیگرددند. مری که بطور اصولی اشکالی هم نداشت، ولی با لطیف در این مورد ما از موضع پرولتری برخوردنداشتیم که این مربوط به مواضع سیاسی - ایدئولوژیک خود و سازمان

مجاهدین در آن زمان برمی گردد. ما نباید بکتاب شناخت آن مبارزین چاپ نکردند بلکه آقای دعا شی آن را در چاپخانه عرفان نجف چاپ کرد و حجت تصحیح چاپی و نیز مارج آن را به نفع سازمان پیچیده گرفت. راستی منافع تنگ نظرانه این

که بطور علنی آنها را منتشر بازم، انتشار آنها را بنا به اعتقاد انسان - در آن زمان - و وظیفه تشکیلاتی خویش، در دستور کارمان گذاشتیم. آن کتابها که جمعا ۴ یا ۵ جلد میشد شیرجان ما و مطالعات ما و برادران شهیدمان تا آن زمان بود. اگر نسخه ای از آنها را در اختیار محمد منتظری و کسان دیگری گذاشتیم صرفا جنبه اطلاع از نظرات ما برپین داشت تا مورد مطالعه قرار دهیم و بعدا اگر بنظرمان در کل تشکیلات درست آمد نظراتمان را تصحیح کنیم. حرفهای او در دفاع از مالکیت خصوصی (و تشکیله نظرش را راجع به کتاب اقتصاد

اقسمتهای قبلی مصاحبه با رفیق تراب پیرامون دروغها و انتقادات شیخ محمد منتظری علیه رفیق ما و مجاهدین و کمونیستها را در دو شماره پیشین خواندید. اینک ادامه آن:

سوال: محمد منتظری علت گرایش بختی ایزانمان مجاهدین به ما را که سیم در سالهای ۵۴-۵۲ را "بازی صهیونیست" قلمداد میکند! در این مورد چه صحبتی دارید؟

جواب: منتظری سربا به ما هیت طبقاتی و ایدئولوژیک و بیوزنها توجه به منافع با داوردهای که امروز پیدا کرده از درک گرایش ما به مارکسیسم در سالهای ۵۴-۵۲ عاجز است. بهیچری ما در مبارزه ضد امپریالیستی به طوری که کل سربا به داری را هدف قرار دهد برای خرده - بورژوازی بقدرت رسیده ای ما بنده محمد منتظری غیر قابل فهم است. این است که میگوید کوفتن سر خود به درو دیوار، برای آن تغییر و تحولات توجه به مسائل آقای منتظری شما بنده مجلس شورای اسلامی "شایده" مطلق انسانی که از "برکت" جمهوری اسلامی فعال ما بشناخت است و بی هیچ حساب و کتابی به حیثیت افراد و بیروانی مبارز و انقلابی راجع بپراکنی میکنند. جا هلاکه دعا می شما بید که میبینید شما ما را به "این راه" - که خودی در دهی شما رویش ساخته است - کشانده اند! این آقای زاده اگر حتی معنای صهیونیسم را می دانست چنین حرفی نمیزد. ما از همان روزها شیکه آقای منتظری و مراد های ایشان حتی کلمه صهیونیسم را شنیده بودند و با آن را با یهودیها بر میداشتند. با آن سرخشانها ما را زه میکردیم و بدلیل تبلیغات رادیو اسرائیل است که در سال ۱۹۴۲ همکاری بین انقلابیون فلسطینی و مجاهدین خلق را - که انعکاس فعالیتهای ما در منطقه بود - برای اسرائیل امری خطرناک خواند. از ۵۴ به بعد هم که در چارچوب ایدئولوژی ما با رکیستی فعالیت میکردیم موضع ما علیه صهیونیستها قاطعا به تازگی پیش ادا مدها شده و دارد. از سوی دیگر هر کسی که با القبا سیاسی منطقه آشنا باشد میدانده که اسرائیل دشمن ترین دشمنان کمونیستهاست. "آقا زاده" فراموش کرده اند که اندک اندک فاش گریه های ما علیه اسرائیل و اعمال اش در ایران منجمده انتشار نامیش را ضد شرکت اسرائیلی که تشکیلات ما در ایران شناسائی کرده بود و راه در کشورهای عربی در روزنامه های ملی و مترقی چاپ شد و بیکار هم در نجف دوستان خود او و عینا آنرا تکثیر کردند. حالا ما ندیم تحت نفوذ صهیونیسم و آقای منتظری انقلابی تمام عیار از آب درآمد! سوال: محمد منتظری گفته است که کتاب "شناخت" و "اقتما دبه زبان ساده" نوشته مجاهدین را پیش از چاپ به او داده اند و بقول خودش اشکالات آنها را گفته ولی شما ترتیب انتشار داده اید و در جای دیگر هم دعا کرده است که بپول چاپ شناخت" را جبهه ملی دوم داده است. حقیقت صده بوده؟

کتاب شناخت را "حجت الاسلام دعا شی در نجف چاپ کرد و هزینه آنرا پرداخت آقایان محمد منتظری و هاشمی رفسنجانی در سال ۵۴ می خواستند از حیثیت مبارزاتی ما استفاده کرده، مشترکا از دولت لیبی یک ایستگاه رادیویی علیه رژیم شاه بگیریم ولی ما قبول نکردیم. دلیلی که محمد منتظری برای مارکسیست شدن ما می آورد نشان دهنده زدالت او و وضعیت طبقاتی اش با طبقه کارگر میباشد.

آقایان تا این حد آنها را مسخ و فراقوشکار کرده است؟! با بدیه منتظری گفت "مصلحت اندیشی و فرصت طلبی چنان شما را مسخ کرده است که فراقوش می کنید به اتفاق همین آقای هاشمی رفسنجانی - که در سال ۵۴ به خارج آمده بود - از ما شما بندگان مجاهدین (که حالا میگویند آنها را منحرف میدانسته اند) خواستید که با هم در واقع به اعتبار و حیثیت ما به لیبی برویم و از دولت آنجا یک پیک برنامهریزی فارسی بگیریم ولی ما چون با دیگر نیروهای مبارز ایرانی قبلا توافقی به همان منظور کرده بودیم به شما جواب منفی دادیم.

اگر خودتان، روحانیتان و... حیثیت و اعتباری داشتید چرا آبروی ما را میخواستید و چه المملاحه قرار دهید؟ و مگر با دتا رفته است که قرار شد ما ترتیب سفر مخفیانه آقای رفسنجانی را به عراق برای دیدن آیت الله خمینی، با درست کردن یک پاسپورت جعلی بدهیم و من اما دگی خودمان را با کمال میل اعلام کردیم و پاسپورت را هم برضاعت ما مده نمود ولی بعدا ایشان با سفارت ایران در بیروت به وساطت موسی صدر به توافقی رسید که با همان پاسپورت ایرانی به عراق بروند و دولت ایران موقع بازگشت مزاحمت نشود! امری که در حدود سوال انگیز بود و هست.

آری آقای منتظری! مجاهدین که در آن زمان جان بکف مبارزه میکردند و خون میدادند بپول و بنابه اعتراف همفکرانمان "حکم" بودهای زمان را داشتند زیرا شما درماندگان در پهنه مبارزه می توانستید فرصت طلبانه دعا کنید که "بله، سلام هم میتوانست مبارزه انقلابی و متشکل علیه رژیم شاه را به پیش برد، مجاهدین جان میدادند و شما در آن زمان ناشر می

به زبان ساده "میداد" بهیچوجه مراقبت نمیگردد. فدیت با استعمار و سرما به داری در ما فویراژ آن بود که بنوا اندبا استدلالهای مذهبی خشن شود. از سوی دیگر شیوه ما هرگز چنین نبود که بر اساس میل این یا آن در اصول ایدئولوژیک و تشکیلاتیمان تغییری بدهیم. هر چند که نفس نظر خواهی از چنین کسانی در واقع جدا از سبب خرده بورژوازی سازمان مجاهدین نبود.

با بدیه منتظری گفت شما اگر چنین تموری داشتید (که ندا شنید و بخودتان در آن روزها چنین جراتی نمی دادید!) در اشتباه بودید. "خودگنده بینی" شما چنین تمورا مغولی را در شما ایجاد کرده است یک ضرب - المثل میگوید: "اسب را نعل میکردند، سوک هم برایش را بلند کرد و گفت مرا هم نعل کنید!" ما از تشکیلاتمان دستور می گرفتیم (و بر اساس باور و انضباط سازمانیمان عمل میکردیم) نه از امثال منتظری که آنقدر از لحاظ سیاسی عقب مانده بودند که وقتی با دات را خاش میدانستیم و بدلیل محافظه کاری و تنوهم خرده - بورژواشی اصرار داشت که "خیر، سادات تا کنونک میرند!" (حتما بخاطر دارند!) و اما اینکه آقای منتظری گفته است "کتاب شناخت را" عضو جبهه ملی دوم چاپ کرد" یا بیدیکویم که: اولاما با عده ای از عناصر ترغیخواه ایرانی که تحت نام جبهه ملی در خارج از کشور (۱) فعالیت میکردند همکاری هاشی میکردیم. اصل همکاری ما با آنها درست بود چنانکه در سطح دیگر همکاریمان

(۱) - "جبهه ملی" فعلی که ما از یک پایگاه انقلابی با آن مرز بندی داریم و علیه آن مبارزه میکنیم ولی آقای منتظری و همکاران از پایگاههای ارتجاعی با آن در افتاده اند با "جبهه ملی" در خارج کشور بسیار متفاوت است.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

خوردید و قمع‌پزش را در میگردید و خودتان خوب میدانید و عمدتان مبارزه‌تان در این خلاصه میشد که هر شش ماه یک بار با اعلامیه‌ای را به التماس از آیت الله خمینی می - گرفتید و همان خوراک چند ماهتان بود! و همین وضع ادامه داشت تا او آخر عمر اما حالا که بر سر غریبه‌یغمای جنبش انقلابی خلق شسته‌اید و هیچ صلاحیتی بر کرسی قانونگذاری تکیه زده‌اید، انقلابیون بد شده اند و منحرف و هزاره‌چرند دیگر! اجتماعاتتان رفته است که در سال ۵۲ از من خواستید که شما و چند نفر دوستانتان را به رفقای و بستانی معرفی کنیم و برایتان از سفارت جبهه آزادی - بخش جنوب ویتنام در سدها دو قوت گرفتیم و آنهمه چیز موقوفی شدن میدادید!

در حالی که این چند تن که را هم خطاب به محمد منتظری (نکته هر چند کم اهمیت) اما ده میگویم: موقوفی نمایی شما، نمونه‌های دیگری هم دارند که چون برای بعضی مریدان شما جالب است میگویم: با دستان هست که بیگروزم و هم‌فرا در یک پارک واقع در باب شرقی بغداد با من قرار داشتید و سیگار روشن کردید و من که خودم روزم را بسودم و وقتی نظرها به روزم خورای را دیدم بشما تذکره دادم، جواب دادید که "ما فرستید؟ البته شما اکنون در شرایط مشابه، غلای زدن را "تجویز" میفرمائید! نمونه دیگر موقوفی نمایی شما آن بود که در جریان اعتماد غذایی که به نفع زندانیان رژیم شاه مشغولیت الله طالقانی و آیت الله منتظری و... در مقراتعاده دانشجویان فلسطینی دریافت، برپا شده بود و شما در آن شرکت داشتید با دختران دانشجویی که به حمایت از اعتماد کنندگان از محل اعتماد دیدن میکردند دست میدادید و حاضرین را از اینهمه "موقوفی نمایی" به تعجب انداخته بودید که "خوند دست دادن به دخترها؟! "از نظر من آن "موقوفی نمایی" هادر گذشته و این مقدس نمایی‌های امروزتان بی ارتباط نیست و در واقع نشان به نرخ روز خوردن است!

بر میگردیم به بحث اصلی ما: در آن زمان ما در چارچوب مبارزه ضد امپریالیستی و ضد رژیم شاه و وظیفه خود میدانستیم که با کلیه نیروهای مبارز علیه رژیم در هر سطح - من جمله منتظری در آن زمان - همکاری کنیم و برای آن همکارها - بطور کلی و در چارچوب یک سازمان مذهبی - نه پیشما نیمه‌ونه منتفی داریم.

محمد منتظری عمداً "فراموش" میکند که حتی پس از اعلام مواضع مارکسیستی از سوی بخش منشعب از س.م.خ. او همان حفظ روابط با ما بوده است. من یکبار او را در پاریز به یعنی دو سال پس از آنکه از گذاردن آید شولوی مذهبی، در پاریس دیدم و او خواستار ملاقات بیشتر با ما شد و از قطع شدن ارتباطات با ما گله کرد و با هم‌قرارتان یعنی در دمشق (بشت تلفن خانه) گذاشتیم و گفت "اگر کاری با عباس زمانی (ا.بوشریف امروز) دارید ترتیب دیدنش را بدهم" ولی چون آن تماشای مربوط به ملاقات رفیق علیرضا سیاسی و عباس زمانی می‌شد رفیق مامدنی بود که به ایران برگشته بود و لحاظ امنیتی جواب را به بعد موقوف کرد. بله، این آقایان، پس از سوار شدن بر اریکه قدرت و برگردن مردم و ممانعت از پیشروی انقلاب (هر چند موقت)، در ماندگی‌های گذشته‌شان را فراموش می

کنند، اگرش خودشان در برابر نیروهای انقلابی را از یاد می‌برند و علیه آنان سخن بگویند می‌کنند! آقا با این پهلوان پنبه‌ها شش سینه و شش دست... حقیقت بی‌زودی بر سر نهاده‌ها آشکارا خواهد شد.

سوال: منتظری در همان مصاحبه‌اش گفته است که شما "با دختر برادرهای ارتشید نصیری در پاریس همکاری میکردید" و بعد میگوید: "این دختر برادرهای نصیری یکی به اسمان بیگار رفت و یکی به "سازره سرخ" و اینها هم مائوئیست بودند و اصولاً مائوئیستها در خارج از کشور همشان در خط امریکا بودند و هم‌انها هستند که کارها را با این راه‌گردستان انتقال دادند. "در جای دیگر گفته است: "این سه اصطلاح گروه بیگار را که ملا در خط مسائل مارکسیستی و مسائل جنسی (!) و شعارهای مبارزاتی" افتاد (!!) به این حرفها چه پاسخی میدهید؟

جواب: میبینید که چقدر بی‌ربط و بلااست. اگر از ما تعریف میکردی تا سب بود در صورتیکه وقتی چنین "آدمی" به فحاشی علیه ما می‌پرداخت و حداقل نشان می‌دهد که من با و این آقایان در مقابل هم قرار دارم و این بخودی خود مثبت است. این دروغ و اینهمه‌های بی‌زمانه برای هر کسی که من و هم‌زمان‌ها را بشناسد و شناسد و است و تا کید می‌کنم فقط همین در ماندگی محمد - منتظری و ما را نشان در مقابل به جنبش خلق و گسترش نفوذ کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی است. اگر او دره‌ای به "حرمت دروغ" - که ادعایش را دارد، اعتماد داشت تا بد چنین حرفهای سراپا دروغ را بنمیزد و واقعیت این است که خود دروغ‌رواها شش کمرها به - داران متحد شده و در صف ضد انقلاب قرار گرفته اند و اخلاق را برای تحمیل توده‌های زحمتکش میخواهند و هنگامی که پای سرکوب کمونیستها و انقلابیون سازش با بذر در میان نباشد، از هیچ - آری از هیچ - جانبی علیه آنان خودداری نمی‌ورزند. حرفهای او همان داستان "فمن و خسین دختران معاویه" را یاد می‌آورد. او را من دختر برادرهای نصیری خائن را نمی‌شناسم. البته اگر هم آنها وجود خارجی داشته باشند هرگز آنها هموستان را بیایان نمیتوان نوشت و بهیچوجه چنین شخصی در سازمان ما نیست.

آیا ردیانه تروزیو بنا نه‌تر از این میشود که در رابط با من کلمات "دختر" و "نصیری" سا و کی "را ردیف کنند؟ و همچنین بی‌پرس یا طرح این دروغ از طرف آقای منتظری برای لابوشانی کردن تماشای من و مصداق‌هاش با یکی از کارمندان سفارت شاه در دمشق بنا آقای شریعت نیست؟! از طرف دیگر ما ربطی به مائوگروه ستاره سرخ نداشته ایم و بالاخره خط امریکا کجا و ما کجا؟ مبارزه دلبیانه خلق کرد کجا و سیاست سرکوبگرانه امریکا علیه خلقهای ایران کجا؟

با بدیهه گفت: آقای عزیز، دنبال خط امریکا در جاهای دیگر غیر از دولت و شورای انقلاب و مجلس‌تان نگردید. آپ در کوزه است بیهوده گرد جهان نخرید! کافی است به سخن شوکر سرسپرد امریکا زکی بهمانسی (وژیرفت سعودی) گوش کنید که با اطلاع از ماجراهای پشت پرده سیاست امریکا، در مصاحبه با روزنامه‌السانیه چاپ کویت مورخه ۳۱ ژانویه سال میگوید: "اگر امریکا شیها از حفظ رژیم جمهوری اسلامی غفلت

بقیه از صفحه ۱۱ دست...

در سال ۵۹ یعنی سال امنیت بورژوازی و ارتجاع، بهاد گسترده‌تری گرفته‌است. یک معلم در رز در شهر زکهدر دوران آریا مهری غیال در زندانها بوده اکنون به "حرم" ندانستن مذهب رسمی" (؟) اخراج گشته است! طبق خبر مندرج در کیهان ۱۰۴/۵۹/۹ نفر از معلمان فارس اخراج و بازگشته شده اند که جرم ۴۶ تن از آنها نیز ندانستن مذهب رسمی بوده است!! شما می‌شهرها و روستاهای ایران و سبزه‌گردستان به همین سرنوشت دچار شده‌اند. نقطه‌ای این اقدامات ضد دیکتاتوریک انحلال آموزش و پرورش گردستان است که خودکشی با یک نشانی برپا شدی رژیم محسوب میشود. طی این مدت بخشنامه‌های رنگارنگی خطاب به کلیه مراکز آموزشی کشور صادر شده که در آن معرفی انقلابیون و جلو گیری از فعالیت سیاسی و آگاه‌گرانه آموزگاران و دانش‌آموزان بکرات مورد تاکید قرار گرفته است. علاوه بر اینها اخبار رژیم با اعدای پی‌در پی معلمان آگاه پیرونده جنایت خود را سنگین‌تر نموده است اعدای مملکت قتل فرزند دلاور خلق ترکمن و همچنین همکار و هم‌زمینش حالی را ده‌بار دیگر دشمنی انجام گرفته رژیم را با آزادی و آزادی‌گشتان داد.

بهر و اکنون که مدارس تعطیل است و امکان ارتباط - گیری معلمان و دانش‌آموزان کاهش یافته، رژیم با استفاده از این فرصت دست به حراستی بر علیه فرهنگیان میزند. از این روست که با یازدن مدارس و در آستانه سال تحصیلی جدید، وظایف عظیمی بر دوش معلمان و دانش‌آموزان انقلابی سبکی خواهد کرد. دانش‌آموزان و معلمان آگاه ما با تمام قوت خود نشان دهند که اولین و ابتدایی ترین خواسته‌شان آزادی همکاران زندانی‌شان و بازگرداندن معلمان اخراجی و غیره به محیط آموزش و پرورش می‌باشد. بی‌گمان اتحاد و همبستگی دانش‌آموزان و معلمان آگاه و انقلابی و مبارزان پیگیرشان، پشت محکمی بر سرپوشه ارتجاع خواهد بود.

کند چای ایران چنان درسی به آنان (آمریکا شیها) خواهد داد که آنرا هرگز فراموش نخواهند کرد. به رژیم جمهوری اسلامی مهلت دهید که جنگ آینده‌اش با جنب ایران است و امید می‌رود که بدون کمک خارجی نتواند چپ را سرکوب کند.

حالا شما شعل و آروغ می‌بزنید و سازمان بیگار در راه آزادی طبعه‌ها را گمراه می‌کنید و مستحکم در دفاع از منافع طبعه‌ها را گرد می‌گردانید و می‌گویند به عضویتش افتادیم و می‌کنیم امریکائی مرفعی می‌کنید مگر نه این است که مردم با غلبه اندو غلایان دانند؟! تحول موضع منتظری و امثال او از یک خورده - بورژوازی مذهبی که بهنجوی درشتا و دوما رزه با رژیم شاه قرار داشت به یک ضد انقلابی و ضد کمونیست که پس از رسیدن به قدرت حاصل نه‌است برای مائو مارکسیستها تعجبی ندارد. ما از امثال منتظری و طبعه واید شولویژان، بخصوص پس از یک تجربه طولانی در پهنه مبارزه انتظاری بیش از حد علمی و مارکسیستی‌اش نداریم. میباید وظیفه ما که قبل از هر چیز آگاه کردن توده‌ها است و...

★ ★ ★

تا تامین کار برای ده‌داران، داشتن ده‌ها حق مسلم آنان است

یورش چماقداران و کمیته چپ ها به کتابفروشیهای نازی آباد

در اواخر ماه شهریور و حاشیه ارتجاع به دستاورد های قیام یازدهم ماه ۵۷ و بمنظور گرفتن امکانات تبلیغی و قطع رابطه "نیروهای انقلابی و کمونیست با مردم و همجانبان کمونیست های این اعمال ارتجاعی را قیلا نیل بارها دیده ایم. در روزهای یکشنبه ۵۹/۵/۲۶ و سه شنبه ۵۹/۵/۲۸ مزدوران حزب جمهوری اسلامی، چاقوهای سرکوبان را به کتابفروشیهای نازی آباد دنا نه رفتند.

آنها با برپا میزبانی قبلی، در ساعت ۷ بعد از ظهر سه شنبه ۵۹/۵/۲۸، تکسیر گویان به کتابفروشیها حمله کردند. این درگیری که با مقاومت کتابفروشان مواجه شد منجر به زخمی شدن و دستگیری عده ای گردید.

پس از درگیری "با ساداران انقلاب" ساداران نازی آبادی ها وائی وارد محله شده و به دستگیری کتابفروشان مبارز (حتی با اسفندی) در درون راهل درگیری (پروا خست و ضما زخمیهای حزب اللهی را نیز سفتوان سدرجرم کتاب - فروشان) با خود سیردند. در جریان دستگیریها، مردم با اجتماع در برابر درون نازی آباد دو هو کردن با ساداران مانع بودن یکی از کتابفروشیها تده و به این سرتیست انرجا خود را از این اعمال وحشیانه ارتجاعی بیسان کردند.

این حملات روز بعد (چهارشنبه) نیز ادامه پیدا کرد و طی آن سه نفر (دودختر و یک پسر) بازداشت شدند. رهبری این حمله وحشیانه را، مسئولان کمیته خانی (رئیس کمیته کلاسی) و "هادی خان" (از مسئولین با جوشی کمیته منطقه ۱۳) و عده ای از حاجی های "معتد" مانند حاجی جعفری (صاحب روال) و... به عهده داشتند پس از دستگیری عده ای از کتابفروشان، گردانند - کان ما چرا اقدام به برپائی یک راهپیمائی و با صدور قطعنامه ای خواستار شدت عمل بیشتر نسبت به کتابفروشان شدند. اینان تصور میکنند که با سرچیدن کتابفروشیها و جلوگیری از بیخ و فروش نشریات انقلابیون و کمونیستها میتوانند جلوی رشد انقلاب را بگیرند. اما کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی بر آنان ریخته دزد و میگویند اگر زخمیهای ارتجاعی جهان (و از جمله رژیم سربرده شاه) توانستند آتش نشان ختم شده را با سرکوب برای همیشه خاموش کنند، شما نیز خوا هید توانست!

منتشر شد:



چاپ دوم کتاب "مجموعه مقالات درباره سازمان جریکهای فدائی خلق" منتشر شد. چاپ اول این کتاب را رژیم جمهوری اسلامی در تها حمله چاپخانه ای که آن را چاپ کرده بوده غارت کرد.

گزارشی کوتاه از مراسم گرامیداشت خاطره بیکارگران شهید رفقا مسعود صالحی و رفیق نجم الدینی



روشن شد، قدم بقدم به ماهیت این دولت بی بیه و میبیرند. از آنجا که دولت عمدتاً بر توهمن آگاهی مردم سوار است نقش نیروهای انقلابی و کمونیست در آشنائی این رژیمهای ویژه ای را آشغال میکند. رژیم تنگ بدستی به این مسئله بی برده است دشمنی و عداوت با این نیروها وسیع و افش در سرکوب آنها برای جلوگیری از کارا کارا گرانان از همین زاویه است. شهادت بیکارگران شهید رفیق مسعود صالحی و رفیق طبیب نجم الدینی در همین رابطه معنی میدهد. رژیم جمهوری اسلامی و ساداران ارتجاعی که مرگ خود را در آگاهی توده ها و زحمتکشان می بینند سراسر جلوگیری از استقلال این آگاهی بیسان شده با هر توطئه ای دست میزنند، اگر تا دیروز به جمع گردیده ها بفرستاده ۹

عمر روز دوشنبه ۵۹/۵/۲۷ بمناسبت بزرگداشت شهادت دور رفیق بیکارگران، مراسم در گورستان وادی رحمت تبریز برگزار شد. در ابتدا پیامها زمان بیکار (کمیته آزادی بجان) فراغت گردید. بعد از آن به شرح مختصری از زندگی و مبارزات دور رفیق، سرود گردی - شه رقیب به همراه خانواده رفیق طبیب نجم الدینی که از گورستان آمده بودند، خوانده شد.

آنگاه برادر شهید مسعود و عموی پدر شهید طبیب سخنانی در مورد زندگی مبارزاتی آنها ایراد کردند. در این مراسمها نیز از طرف سازمانها و گروههای سیاسی از جمله کوهسار، هواداران سازمان زحمتکشان آزادی طبیبها، رگر، گروه انقلابیون، ل - م - بیکار خلق و جدات انقلابی، اتحادیه کمونیستها و نیز رفقای هوادار سازمان در هشتروز، ارومیه و اردبیل و... رسیده بودند که فراغت گردید. در سوال سخنرانیهایی و بیان جمعیت ترکیه و چه فریاد میزدند: "مسعود شهید قسم به خون سرخ را هت ادا می دارد"، "طبیب شهید قسم به خون سرخ را هت ادا می دارد"، "زحمتکشان بولوندا! مسعود شهید اولوبیدی"، "زحمتکشان بولوندا! طبیب شهید اولوبیدی". در پایان، برادرها و رفیق طبیب با وجود مریضی و کمالات سخنانی ایراد کردند. وی در قسمتی از سخنانش گفت: "۲۵ سال زحمت کشیدم، فرزند بزرگ کردم، طبیب در راه زحمتکشان شهید شده و خوش گمنام شود. طبیب برای من یک فرزند بود، حالا من هرا را فرزند دارم. راه طبیب با یاد او می پید کند، شما ادا می دهندگان راه طبیب هستید."

ما با ردیکوبه خون پاک این دور رفیق شهید سوگند می دهم که همیشه راه آنها را تا بر فراز جبهه سوری دمکراتیک خلق، تا برپائی ایرانی آزاد و مستقل ادا می دهیم. در زیر پیمان سازمان بیکار (کمیته آزادی بجان) را به خانواده این دو شهید بیکارگر ملاحظه میکنید. پیام سازمان بیکار در راه آزادی طبیبها و رگر - کمیته آزادی بجان به خانواده رفقای شهید مسعود صالحی و رفیق نجم الدینی

شهادت رفقا مسعود صالحی و رفیق نجم الدینی اولین جنایتی نیست که در این رژیم تفاق می افتد همچنانکه آخرین آن نیز نخواهد بود. رژیم کپس از قیام پرشکوه یازدهم ماه ۵۷ و بدینا جانبا زبها و قهرمانیهایی مردم دلیر ما سقوط دیکتا توری شاه و بسته شدن دفتر ۲۵۰۰ ساله رژیم شاهنشاهی به قدرت رسید، از آنجا که نمی توانست و نمی خواست به خواسته های انقلاب پاسخ گوید در مقابل انقلاب ایستاد و این را در قدم به قدم حرکت خود، نشان داد در سرچوردن کارگران، با خلق کرد، خلق سرکشان، دانگا و نیروهای انقلابی و کمونیست نشان داد. مردم که در ابتدا حکومت جدید را حکومت خود حساب می آوردند با گذشت زمان و فتنه که در زندگی روزمره خود عملکردهای دولت را تجربه کردند و دستدرج صحت افتا گریها و روشنگریهای نیروهای انقلابی برایشان

گرامی باد خاطره رفیق شهید محمد تقی شهرام

دهم شهریور ماه مصداق است با جهلین روز شهادت رفیق محمد تقی شهرام. با شرکت در مراسم بزرگداشت او که از ساعت ۷ عصر همان روز با حضور خانواده و شاگردان شهید در سه تهر از قطعه ۴۱ سرگزار میشد اعدادم ارتجاعی او را محکوم و نسبت به مبارزات انقلابی او علیه آمریکا و رژیم شاهنشاهی و نیز مقاومت حماسه آفرین او در زندان جمهوری اسلامی، ادای احترام کنیم. کمیته بزرگداشت رفیق شهید تقی شهرام

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

رزمندگان و مسئله رونیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی (۲)

بورژوازی و رونیونیستی بخشی از زندانیان چپ آزاد شده بود. اینان که در زندان در مورد مسئله شوروی عمدتاً از منابع غیر مارکسیستی لنینیستی و آثار انتفاطی و حتی رونیونیستی تغذیه فکری

را دیگری ندارند جز اینکه در استراتژی پرولتاریا انحراف وارد آورده و صف دشمنان و دوستان بیسن - المللی طبقه کارگر و انقلاب را مخدوش سازد.

★ ★ ★

● هر دیکاه که در عصر امپریالیسم ماهیت بورژوازی رونیونیسم را نفی کند راه دیگری ندارد جز اینکه ماهیت امپریالیستی شوروی را نیز نفی کند و هر دیکاه که امپریالیستی بودن شوروی را نفی نماید راه دیگری ندارد جز اینکه در استراتژی پرولتاریا انحراف وارد آورده و صف دشمنان و دوستان بین المللی طبقه کارگر و انقلاب را مخدوش سازد.

● در سطح جنبش کمونیستی ایران فلسفه شکایت از جمله در ارتباط با واقعیت سوسیال امپریالیسم تظاهر پیدا کرده است. جریاناتی را نیز نفی کند و هر دیکاه که این مسئله خود از موضع اثباتی گامی مشخص و قاطع در جهت توضیح استدلال مسئله بردارد. فقط فلسفه شکایت را راجع میازند و بدین ترتیب دامنه تزلزلات رونیونیستی را گسترش می دهند.

کیده بودند، پس از آزادی از زندان علیه درک پرولتاری از رونیونیسم و نژاد مارکسیستی سوسیال امپریالیسم به تعرض دست میزدند و دامنه تزلزلات موجود را گسترش می دهند.

۴- در تریاتی که جنبش کمونیستی بین المللی در برانگیزی سیاسی اندولولوژیک و تشکیلاتی به سر می برد و فاسد و ادا دیرولناریائی می باشد، رونیونیسم در تمامی اشکال خود و بورژوازی - رونیونیسم خروچکی و سوسیال امپریالیسم شوروی در حال تعرض می باشد. بدین معنی پس از تحولات صد انقلابی در جنبش و خاکمیت رونیونیستی در آن دو جهان کنه است. به تبعیت از این تعرض بین - المللی نیروهای رونیونیست یومی نیز با سومو اندولولوژیک خود نیروهای مارکسیست لنینست را مورد تها خود قرار داده اند.

بدین ترتیب این عوامل اساسی بودند که زمینه ساز رشد تزلزلات در فعال رونیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی گردیدند. چنین زمینه سازی احاداداً موجب تزلزلات و کراکات رونیونیستی در جنبش چپ ایران و بطور مشخص در طیف "جریان ۳" بالا می گردد.

ما زمان رزمندگان از این موج برکات رنما شد. بی امپریالیستی بودن شوروی که متحرک بی تاثیر - کداری واقعیت سوسیال امپریالیسم در تانیک و اسرازی بین المللی پرولتاریا میگرد، نفسی معیار سوسیال امپریالیسم به یکی از روابط اساسی برای وحدت جنبش کمونیستی و... از جمله موارد تزلزل رونیونیستی رنمای رزمندگان به شمار می آید.

رزمندگان ماهیت امپریالیستی شوروی را نفی میکنند

همانطور که صد تزلزلات رونیونیستی در فعال رونیونیسم و سوسیال امپریالیسم در اشکال مختلف ظهور میکند، یکی از اشکال پرور این تزلزلات شعار "صدما، جم صدما، جم" می باشد. جریانی که درک پرولتاری از رونیونیسم به یک جریان طبقاتی - بورژوازی ندارد و براساس مسئله استغفار و رونیونیسم

همانطور که قبلاً گفتیم در جنبش مارکسیستی لنینستی ایران در بر خورد و از ریبائی از این دست - آوردهای جنبش کمونیستی جهان انحرافات و تزلزلات متعدد رونیونیستی بروز کرده است و در همین ارتباط تزلزلات رونیونیستی در طیف "حظ ۳" و انجمنی کار - سایدراست و در تزلزلات رونیونیستی رنمای رزمندگان در فعال سوسیال امپریالیسم شوروی انعکاسی از این واقعیت است.

رسمه های غلط وجودی انحرافات و تزلزلات در فعال رونیونیسم و سوسیال امپریالیسم جنبش برای پاسخ دادن بر این مسئله مدعا علی اساسی هستند اما راه کرده و پس بدین موانع رنمای رزمندگان می - برداریم:

۱- جنبش بین کمونیستی ایران طی دوده ها خیره - و زده ها کمیت می خریکی بر آن غلبه میبرد - سدی انقلابی با رونیونیسم خروچکی اما با تاندیک استعارای سر و صدای زده در غرضه تازده پرولتاری علیه رونیونیسم می باشد. درک محدود! مارکسیسم لنینسم بر دایات الفبا طی و جرد بورژوازی ایران و... مکان سخریدیک مبارزه در رونیونیستی بر تدرت پرولتاریایست نمود.

۲- با تب غذا و تفکری سکلات جنبش رنما عادی جهت رند لیسرا لیس و تزلزلات و کراکات رونیونیستی بوجود آورده است. در شرایط رنما زده غشائی رونیونیستی در حده بورژوازی که به بورژوازی سابل دارد و بدین معنی سیاسی است و لیسرا لیس و رونیونیستی سوب پیدا میکنند. بخولات سیاسی - اجتماعی بر رنما منمو است به تزلزلات و انحرافات رونیونیستی می باشد.

۳- بر اساس جنبش چپ و بطور مشخص "جریان ۳" در غرضه تازده اندولولوژیک صد رونیونیستی کرفار یک حرکت را سراسره، غیر فعال و اکومونیستی بود و سوا صدما یک تعرض همه جا صدما می اندولولوژیک علیه رونیونیسم و سوسیال امپریالیسم را به پیش برد، تعرضی که سوا صدما صدما تزلزلات و کراکات رونیونیستی در درون سکلتها را مورد هجوم پرولتاری خود قرار دهد. در همین زمان جنبش چپ ایران مواجها تعرض اندولولوژیک خسرده -

امروز هیچ کمونیست بیکری نمیتواند موضوع قاطع علیه رونیونیسم خروچکی و سوسیال امپریالیسم شوروی هداشته باشد زیرا موضع علیه خروچکیسم و سوسیال امپریالیسم جزو دستا وردهای برجسته مارکسیسم لنینسم در دوران اخیر بشمار می آید. این دستا وردها حاصل مبارزه صد رونیونیستی عطفی بود که از جانب مارکسیست - لنینستهای جهان و از جمله حزب کار آلبانی و حزب کمونیست چین در طی سالهای ۶۰ و پس از آن علیه رونیونیسم صورت گرفت. در طی این مبارزه مارکسیستی بود که رونیونیسم خروچکی به یک خط منی بورژوازی و صد پرولتاری افتاد. بخولاتی که در شوروی بدینال استقرار رونیونیسم بوفوع بیوسنت مورد تحلیل قرار گرفت. و نیز انقلابی سوسیال امپریالیسم شوروی در بر ترو آموزشهای مارکسیستی - لنینستی و براساس واقعیت عینی شوروی نتیجه گیری و ارائه گردید. مبارزه صد رونیونیستی علیه خروچکیسم و سوسیال امپریالیسم بطور مستقیم بر نای مارکسیسم لنینسم تان شیرگذاشته و پرولتاریای جهانی را در مبارزه علیه دشمنان رنکار یک آید و نه سوسود. این مبارزه خط قابل رونیستی بین مارکسیسم لنینسم و پرولتاریا از یک سو و رونیونیسم و بورژوازیسم - وازی از سوی دیگر کشیده و جنبش حاضر یک خط کمونیستی - های بیکری نمیتواند جزو دیکری جریانه علیه رونیونیسم و سوسیال امپریالیسم باشد. لیسرا لیسرا است که لنینسم در مبارزه علیه رونیونیسم و سوسیال نونیسم با خفه ویردا خند کرد و دیکومیسهای جهان در دفاع از آرمان پرولتاریا و یک کیری اندولولوژی کمونیستی نمیتوانستند و نمیتوانند علیه جنبش اصلی سوسیالسم علمی یعنی رونیونیسم مبارزه ترخانه نکنند. این مبارزه منمو انلی تازده اندولولوژیک کمونیستها را تشکیل نداده و صدما: این مبارزه رنمای ضرورتی دوجدها سدا کرد و رونیونیسم به قدرت سیاسی در یک مسئله را گروختا سنا بدیدود. بیکری بین کمونیستی ایران و مبارزه علیه رونیونیسم را بهمانه منمو انلی مبارزه اندولولوژیک خود از ریبائی نموده و این مبارزه را مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم شوروی میزدند. آن درجا لیکه خط قابل رونیستی بین خود و رونیونیستهای خاش به جانی می کنند. همجنه بر دیکدی در مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم شوروی از خود رونیونیسم خسرده آن میداندها لیکه که بورژوازی در مارکسیسم تحریف میکند. فعال بورژوازی یعنی رونیونیستها و در این خروچکیستهای میزد و صد انقلابی به جانی بر درما بین دستا وردهای مارکسیسم تحریف میما صد اگر به جانی هاد در مورد سوسیال امپریالیسم تحریف بورژوازی دست میزدند. این امر مانع از آن نخواهد شد که کوشش ما به رونیونیسم بورژوازی نبوده و ما به هی شوروی بورژوا امپریالیستی می باشد.

هر دیکاه که در عصر امپریالیسم ماهیت بورژوازی رونیونیسم را نفی کند راه دیگری ندارد جز اینکه ماهیت امپریالیستی شوروی را نیز نفی کند و هر دیکاه که این مسئله خود از موضع اثباتی گامی مشخص و قاطع در جهت توضیح استدلال مسئله بردارد. فقط فلسفه شکایت را راجع میازند و بدین ترتیب دامنه تزلزلات رونیونیستی را گسترش می دهند.

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

قبول دارند و بنا بر این معتقدند که شوروی یک کشور سرمایه داری با ساخت اقتصادی امپریالیستی می - باشد و از رزمندگان این نژاد در خود مورد نفی قرار می دهند. بنظر ما رفقای رزمندگان سوسیال امپریالیسم را به مفهوم کمپوزیتی که در آن سوز و آزاری انحصاری حاکم بوده و اقتصاد آن دارای ساخت امپریالیستی می باشد. قبول ندارند. دلیل این حکم مجموعه نظریاتی

با لایم نقطه شروع را اقتصاد آن قرار می دهد و تحت عنوان تحلیل از اقتصاد شوروی تزلزل رویزیونیستی خود را پنهان می سازد. بحث بر سر آن دیدگاه است که با شک گراشی خود بحث آموزشهای مارکسیستی لنینیستی و دستاوردهای سوسیالیسم و جنبش کمونیستی جهانی را به زبرشوال کشیده، ماهیت بورژواشی رویزیونیسم و تحولات روستاشی و زیربنای منطق برای ما هیت

یونیسم در شوروی و مجموعه تحولات ناشی از آن در عرصه روستا و زیربنای روستا نتواند درک کند. فلسفه شکاکیت را در سطح جنبش کمونیستی ایران فلسفه شکاکیت از جمله در ارتباط با واقعیت سوسیال امپریالیسم تنها هر پیدا کرده است. جریانی است مانند رفقای رزمندگان بدون اینکه خود از موضع اثباتی گامی مشخص و قاطع در جهت توضیح منطقی مسئله بردارند. فقط فلسفه شکاکیت را راجع می سازند و بدین ترتیب دامنه تزلزلات رویزیونیستی را گسترش می دهند. این رفقا مطرح می - سازند با بد "با سخ دقیق و علمی برای" ساخت اقتصادی - اجتماعی شوروی و کشورهای مشابه آن "را نه نمود (رزمندگان شماره ۷ - ۵۸/۱/۲۵)

در سطح جنبش کمونیستی ایران فلسفه شکاکیت از جمله در ارتباط با واقعیت سوسیال امپریالیسم تنها هر پیدا کرده است. جریانی است مانند رفقای رزمندگان بدون اینکه خود از موضع اثباتی گامی مشخص و قاطع در جهت توضیح منطقی مسئله بردارند. فقط فلسفه شکاکیت را راجع می سازند و بدین ترتیب دامنه تزلزلات رویزیونیستی را گسترش می دهند. این رفقا مطرح می - سازند با بد "با سخ دقیق و علمی برای" ساخت اقتصادی - اجتماعی شوروی و کشورهای مشابه آن "را نه نمود (رزمندگان شماره ۷ - ۵۸/۱/۲۵)

چنین دیدگاهی واقعیت ساخت امپریالیستی شوروی را نفی کرده و معتقد است با سخ علمی در مورد ساخت اقتصادی شوروی موجود نیست. چنین دیدگاهی عملاً دستاوردهای جنبش کمونیستی جهانی را در این مورد نفی کرده و مبارزه و رویزیونیستی احزاب و سازمان های کمونیستی و نتایج حاصله از آن را در این مورد شخصی به هیچ میکشد.

در نزد رفقای رزمندگان در مورد مقوله سوسیال امپریالیسم دیدگاه فلسفی شکاکیت به دیدگاه اکو - نوینیستی پیوند می خورد. چگونه بنظر ما دیدگاهی که بجای حرکت از موضع سیاسی - ایدئولوژیک مبارزه طبقاتی، از اقتصاد دو ویژگیهای آن حرکت کند یک دیدگاه اکو نوینیستی است. این دیدگاه اکو نوینیستی قبل از آنکه معنای طبقاتی استقرار رویزیونیسم در کشور سوسیالیستی را درک کند و تحولات طبقاتی را بر پایه کسب قدرت سیاسی توسط رویز یونیستها توضیح دهد، در پی آن است تا با ارفاق و اغماض از اقتصاد شوروی را طبعی نماید. در جامعه سوسیالیستی مالکیت سوسیالیستی رابطه مستقیم و تنگاتی با حزب پرولتاریا و دیکتاتوری پرولتاریا را می بیند. اما لکیت سوسیالیستی بدون دیکتاتوری پرولتاریا معنا نخواهد داشت. بنا بر این می باید به بحث نقطه حرکت خود در تحلیل از شوروی را تحلیل مسائل سیاسی ایدئولوژیک و تحولات طبقاتی ناشی از استقرار رویزیونیسم قرار داد. روشن است که بحث بر سر نفی اثبات اقتصاد سرمایه داری انحصاری شوروی نمی باشد. بحث بر سر نفی ارفاق و اغماض برای توضیح دقیق تر واقعیت امپریالیستی شوروی نمی - باشد. بحث بر سر راه و به نگرش کمونیستی با اکو نوینیستی می باشد. بحث بر سر موضع تعرضی و پرولتری یا موضع متزلزل، یا سیو غیر پرولتری می باشد. بحث بر سر نقد دیدگاهی است که در برخورد به مقوله سوسیال امپری -

اگر شوروی به صد و سرمایه دست میزند، اگر به تجاوز و کودتای می آورد و اگر دارای یک سیاست توسعه - طلبانه ضد خلقی و امپریالیستی می باشد. بدلیل ماهیت امپریالیستی آن است. به این دلیل است که در این کشور بورژوازی انحصاری دولتی حاکم بوده و اقتصاد شوروی یک اقتصاد امپریالیستی می باشد.

نگرانی مارکسیستی و تمام خلقی رفقای رزمندگان آنجا ظاهر می کند که سیاست خارجی را از سیاست داخلی بکشد و جدا می کنند. سیاست یک طبقه را از خود طبقه و منافع او جدا می کنند. سیاست ملهم از یک سیستم اقتصادی را از خود سیستم جدا می کنند.

است که رفقای رزمندگان راجع به درک خود از سوسیال امپریالیسم را نه نموده اند. دلیل این حکم این است که این رفقا میگویند که در مورد "ساخت اقتصادی - اجتماعی شوروی" با سخ دقیق و علمی وجود ندارد و باید در پی تدوین این با سخ بود. دلیل این حکم این است که این رفقا محبت از "بذرش سسی" سوسیال امپریالیسم میکنند.

بنظر ما رفقا تزلزل رویزیونیستی خود را درست مسئله بر سر ساخت اقتصادی شوروی می سازند. به نظر ما رفقا فاقد درک پرولتری از ماهیت رویزیونیسم و مجموعه تحولات ناشی از احکام آن در شوروی می باشند. و این تزلزل رویزیونیستی تا حدی باعث پیش می رود که عملاً یکی از دستاوردهای جنبش جهانی کمونیستی مورد نفی قرار میگیرد. بنظر ما جنبش - المللی مارکسیستی لنینیستی آنجا که کنون در - باره سوسیال امپریالیسم شوروی مطرح ساخته اند از دقایق قابل انگیزی با ندانند درک روشنی و صریحی در این مورد پیدا نموده و موضع استواری در قبال سوسیال امپریالیسم شوروی اتخاذ کرده. جنبش بین المللی کمونیستی به چه متاعی در این مورد رسیده و چه آموزشی را نه میدهد؟ این آموزش بطور مختصر چنین است:

رویزیونیسم یک خط مشی بورژواشی بوده و رویز - یونیسم در قدرت به معنای بورژوازی در قدرت است. به دنبال استقرار رویزیونیسم غرضی حزب و دولت شوروی و تحولات دیکتاتوری در روسیای این جامعه، زیربنای جامعه را متاثر شده و به راه سرمایه داری جهت گیری می نماید. بدین ترتیب پرولتاریا به طبقه تحت سلطه تبدیل شده، از مسائل تولید جدا گشته و نیروی کار را به کالا بدل میگرد. طی یک استعلا به بورژواشی همه جانبه اقتصاد سوسیالیستی به اقتصاد امپریالیستی و شوروی سوسیالیستی به شوروی سوسیال امپریالیستی تبدیل میشود. کشوری که از نقطه نظر لنینی در اساس خود مشخصات اصلی امپریالیسم را همراه دارد، کشوری که بر سر اعمال هژمونی و سرکشته - گراشی با امپریالیستهای دیگر به رقابت پرداخته و همتانند دیگر امپریالیستها بر ضد انقلاب اجتماعی و استقلال و آزادی خلقها عمل میکند، کشوری که در محاسنه نیروها در عرصه بین المللی جزیر اردوگاه ضد انقلاب

و در یک کلام مسئله سوسیال امپریالیسم به نتیجه طبیعی این تحولات را مورد سوال نفی آمیز قرار داده است. آری بحث بر سر دیدگاهی است که خود منکی بر تزلزلی رویزیونیستی بوده و به نوبه خود تزلزلات سازمانها و توده ها را دامنه کشیده و زمینه را برای ارتداد و روی سوانعتن از مارکسیسم لنینیسم هموار می سازد.

بر سر چنین دیدگاهی رفقای رزمندگان مطرح مینمایند:

"ما کما ننداریم که تحلیلهای مخمر موجود تکیه چند دهه از تاریخ معاصر جهان و احکام سوسیالیسم را یکسره کرده باشند. ما معتقدیم که بررسی دقیق ساخت اقتصادی اجتماعی شوروی و کشورهای مشابه آن مسئله ای است که جنبش کمونیستی ایران (و جهان) می باید به بحث و در پی با سخ دقیق و علمی با آن تلاش بگیرد. از خود در روز هندی که این اعتبار را که ما از بذرش سسی "سوسیال امپریالیسم محبت نمودیم." (ها نجا)

ما نیز مانند هر کمونیست دیگر معتقدیم در تحلیل از تاریخ معاصر جهان و ساختان سوسیالیسم با ن نرسیده است. ما نیز مانند هر کمونیست دیگر معتقدیم تحلیل همه جانبه تر از شکست و دستاوردهای انقلابات سوسیالیستی و از جمله انقلاب شوروی و چین دستاورد - های نوینی را به ارمغان آورده و راه پیروزی پرولتاریا را هموار تر خواهد ساخت. ما نیز مانند هر کمونیست دیگر معتقدیم تحلیل همه جانبه تر از چگونگی استقرار سرمایه داری در شوروی و سایر کشورهای رویزیونیست پرولتاریا را در نبرد علیه سرمایه مسلح تر خواهد نمود و مارکسیسم لنینیسم را غنا خواهد بخشید. مارکسیسم لنینیسم علم است و این علم در برابر روزه طبقاتی پرولتاریا و در جمع بندی از شکست و پیروزیها تکامل می یابد. مسائل مورد بحث این مسائل نیستند یا بدید مرکز ثقل انحراف رفقای رزمندگان در کجاست؟ باید دید این موضع "تحقیقی" رفقای رزمندگان موضعی پرولتری و در جهت ارتقا ایدئولوژیک است یا موضعی متزلزل و غیر پرولتری در برخورد به رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم و به این اعتبار باید دید آیا رفقای رزمندگان از سوسیال امپریالیسم قبول دارند یا نه؟

از دوحال خارج نیست: یا رزمندگان این تزلزل را

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم